

نورالدین کیانوری: باتکیه بر نیروی توان بخش مردم و مبارزه قاطع و

سازش ناپذیر با بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و نمایندگان طبقاتی آنها

در باره بدیده‌های بفرنج اجتماعی باید همه جانبه و بویا و بارعایت اولویت اصلی بر فرعی ارزیابی کرد. چگونه در زمینه تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج سیاست «نه شرقی، بلکه غربی» اعمال میشود؟

# در راه حل مسائل بنیادی انقلاب گام برداریم

## ضد انقلاب برای تبدیل سیستان به کردستان دوم وارد عمل شده است

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

### گسترش همه جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی

یکانه ضامن تقویت سمت گیری مردمی در اقتصاد، گسترش همه جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی در همه زمینه‌های فعالیت اقتصادی، یعنی صنایع، کشاورزی و خدمات است. تنها از راه گسترش همه جانبه بخش دولتی می‌توان بخش خصوصی را که همواره در جهت گسترش و ریشه دواندن نظام غارتگر سرمایه داری است، زیر کنترل قرار داد و مجموعه اقتصاد کشور را در جهت تامین خواسته های توده های ده ها میلیونوسی زحمتکشان شهر و روستا و پیشرفت همه جانبه کشور به سوی استقلال کامل اقتصادی هدایت کرد.

تنها با گسترش بخش دولتی و بخش تعاونی ممکن است اقتصاد را طبق برنامه رهبری کرد، چیزی که بدون آن استقلال اقتصادی غیر قابل دسترسی خواهد بود. گسترش بخش تعاونی امکان شرکت وسیع مردم و به ویژه زحمتکشان را در تعیین سرنوشت خویش تامین می‌کند و به آنان امکان می‌دهد که خود را، چه در تولید و چه در زمینه دست آوردن وسایل زندگی از چنگال‌های غارتگر کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان آزاد سازند. گسترش بخش تعاونی یکی از پایه های تامین آزادی اقتصادی زحمتکشان می‌باشد که خود از پایه های آزادی سیاسی و اجتماعی است.

\* باید با تمام نیرو - هنوز که دیر نشده - این توطئه را خنثی کرد  
\* یاد ژاندارمهای شهید را گرامی میداریم و به بازماندگان آنها صمیمانه تسلیت میگوئیم

ماموران نیز تیراندازی شد. بدنبال این درگیری، ۳۲ تن از ژاندارمهای قهرمان همراه با فرمانده خود، که تا آخرین قطره خون با ضدانقلابیون جنگیده بودند، شهادت رسیدند.

بروی ماموران آتش گشودند. به گزارش روزنامه کیهان (۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۰) در اولین دقایق این حمله ناجوانمردانه به ماموران، ندرور ماموران ژاندارم‌های هدف آربی. جی هفت قرار گرفت و در پی آن به سوی کامیون حامل

۳۴ ژاندارم، که برای دستگیری عاملین ترور مولوی فیض محمد حسین بر به کوه‌های سیستان و بلوچستان رفته بودند، همراه فرمانده خود، در درگیری با ضدانقلابیون به شهادت رسیدند. بدنبال ترور مولوی فیض محمد حسین بر، از علمای اهل تسنن، گروهان ژاندارم‌های سران، به فرماندهی سرگرد میرزا دهقان، برای دستگیری عاملین این جنایت، که ضد انقلابیون، خان‌ها و قاچاقچیان هستند، به تعقیب این جنایتکاران پرداختند. وقتی افراد گروهان به منطقه کوهستانی «کوه سفید» رسیدند، عده‌ای از افراد مسلح که در بلندپای کوه سفید سنگر گرفته بودند،

## اسناد جاسوسخانه آمریکا

به دولت موقت ایران در برخورد با جنبشهای انقلابی داخل و خارج که نسبت به اعمال گذشته آمریکا عمیقاً نفرت دارند، کمک کند. «شرح نقطه نظرها» الف- تهیه اطلاعاتی در مورد هر نوع تهدید داخلی که با حمایت خارجی صورت می‌گیرد. ب- حداکثر کمک در مورد لوازم یدکی مورد نیاز ارتش. ج- مبلغ ۱۳ میلیارد دلار جریمه دیر کرد در موط. به بازپرداخت وامها را لغو کنید (SIC) د- در تهیه مواد اولیه مورد نیاز صنایع، که برخی شرکتهای آمریکایی از فرستادن آنها خودداری می‌کنند، کمک شود. ه- دفتر صدور ویزا در تهران را دوباره باز کنید، زیرا هزاران ایرانی میخواهند که به آمریکا بروند. انتظام گفت: خود او برونده، انتظام گفت: خود او برونده، انتظام گفت: خود او برونده. بقیه در صفحه ۴

بوسیله امیرانتظام عنوان شد، عبارتند از: الف: عادی کردن روابط با آمریکا باید به آهستگی پیش برود، تا سوغتن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند، برنیانگیزند. ب: در رابطه با ارتباط پادولت موقت احتمالاً بهترین شیوه حفظ تماس با خود نخست وزیر هر ۱۵-۲۰ روز یکبار می‌باشد. مسلماً الان خیلی زود است که بشود با آیت الله خمینی ملاقات کرد. ج: تبادل سفیر احتمالاً در آینده مناسب خواهد بود. شاید زمانی که دولت جدید دائمی مستقر شده باشد، انتظام افرادی نظیر ریچارد کاتن، و «رمزی کلارک» را بعنوان سفیر پیشنهاد کند. د- انتظام گفت چند چیز است که آمریکا برای نشان دادن صمیمیت خود نسبت به رژیم جدید می‌تواند انجام دهد. و اینها می‌تواند

### توصیه‌های امیرانتظام

به افسر «سیا» (از سند شماره ۶۸۹۱ مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۸) ۳- استمیل گفتگور با اطمینان خاطر و حسن نیت دولت آمریکا نسبت به دولت ایران شروع کرد. سپس گفتگوی مختصری در خصوص روابط ایران با آمریکا در پی آن انجام گرفت. مهمترین نکاتی که

# نامه مردم

شماره ۵۱۶ - چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم ۱۵ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## بحث آزاد تلویزیون با موفقیت برگزار شد

یکشنبه دوشنبه شب ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰، بر اساس اعلام قبلی، دو قسمت از بحث آزاد تلویزیونی تحت عنوان «ایدئولوژی» از شبکه سراسری سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این دو برنامه، که با موفقیت و در محیط حسن تفاهم پخش شد، رفیق احسان طبری عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، همراه با آقایان حجت الاسلام مصباح (حوزه علمیه قم) عبدالکریم سروش (منفرد) و فرخ نگهبان (سازمان فدائیان خلق ایران) داکتریت) درباره دیالکتیک بحث و گفتگو کردند. پخش موفقیت آمیز این بحث آزاد، که دنباله آن هم پخش خواهد شد، و استقبال بی نظیر مردم از آن، علیرغم سنگینی موضوع مورد بحث، نشان داد که برآستی می‌توان نظرات مختلف را در محیطی سالم مطرح ساخت و تفاوت را به توده های میلیونی مردم، که آخرین و عادل ترین قاضی تاریخ هستند، سپرد. ادامه پخش برنامه بحث آزاد در زمینه های سیاسی و اقتصادی، که بدنبال بحث ایدئولوژی انجام خواهد شد، مسلماً این امکان را بوجود خواهد آورد، که مسائل مبرم جامعه ما، با شرکت همه نیروهای منافع انقلاب مورد بحث و بررسی قرار گیرد و زمینه تفاهم و اتحاد برای حل این مسائل فراهم گردد.

## نیرو دبرای استقلال



رزمندگان دلاور ایران در جبهه های جنگ برای حفظ استقلال و آزادی میهن با دشمن متجاوز می‌زنند. دلاوران ایران به شکلی زیبا هدف خود را از نبرد بی‌امانی که هر روز خون خود را نثار می‌کنند، در یکی از جبهه ها باین شکل اعلام کرده اند: آنها بعد از کشف و خنثی کردن ۱۵۰۰ مین ضدتانک و ضد نفر کوزه ای، که توسط متجاوزان صدامی کار گذاشته شده بود، با مینها نوشته اند: استقلال

## همبستگی انقلابی ایران با سوریه در برابر اسرائیل متجاوز

ضدامپریالیستی و مردمی ما برداشته میشود. حوادثی که در ظرف چند هفته اخیر در لبنان روی میدهد جزئی از نقشه های وسیعتر صهیونیستها و آمریکائیا برای تسلط بر خاورمیانه و نزدیک است. اسرائیل که از پشتیبانی بیدریغ بقیه در صفحه ۴

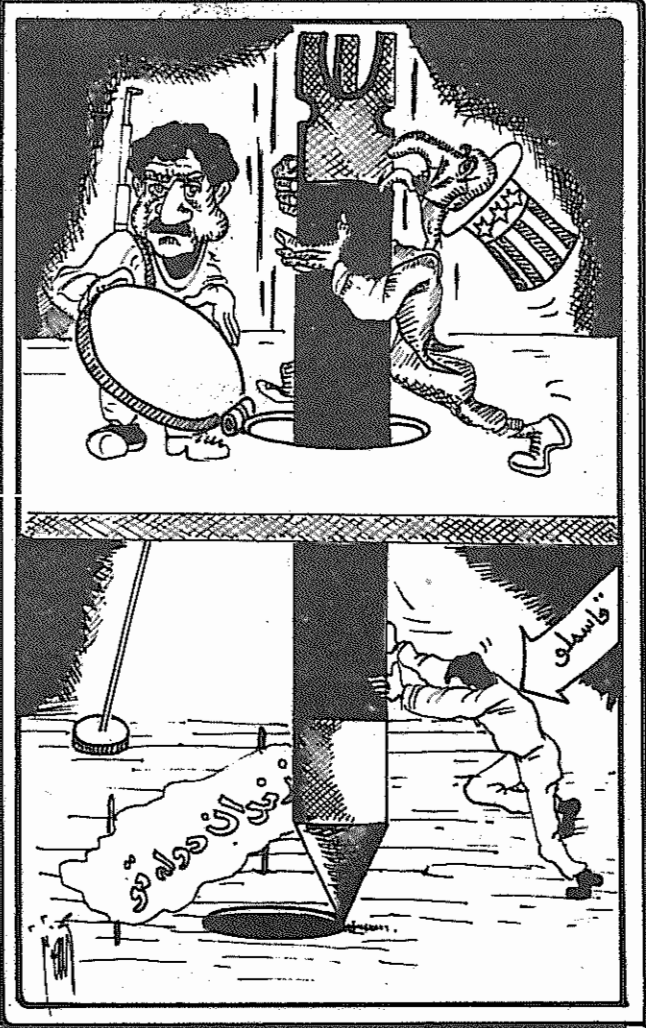
اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تحولات جاری در لبنان و همچنین سفر معاون سیاسی نخست وزیر به سوریه، گام دیگری است که در این اواخر از سوی دولت در جهت تحقق سیاست خارجی صحیح و پاسخگوی انقلاب

## تکذیب افتراهای «مجاهد»

«مجاهد»، نشریه «مجاهدین خلق» که بجای پاسخگویی به سوالات مشخص و تحلیل های مستدل حزب توده ایران در مورد مواضع نادرست و زیانبخش «مجاهدین خلق» به شیوه ای بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!





### اسناد جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۱  
شخصاً می‌خواهد که دانشجویان زیادی به آمریکا و دیگر کشور-های انگلیسی‌زبان بروند. مثلا هندوستان امسال بجای ۱۵۰۰ ویزا که پارسل می‌داد ۶۰۰۰ ویزا برای دانشجویان ایرانی صادر کرد. او اظهار امیدواری کرد که آمریکا از آن پیروی کند.

۵- استمپل گفت: که پیشنهاد-های انتظام را گزارش خواهد کرد و به دولت ایران اصرار خواهد کرد که در مورد لوازیم پیداکسی نظامی و مواد اولیه کارخانه‌ها با سفارت در تماس باشند. پرداخت ما چنین بود که جز در مواردی که صورت حسابها پرداخت نشده باشد، هیچ وقفه‌ای نباید صورت پذیرد.

شد که تسهیلات جدید آمریکا تا آخر آگوست آماده خواهد شد، ولی پیش از کشایش باید مسائل امنیتی آن کاملاً حل شود. این بدان معنی است که کمیته‌های گاردهای فعلی سفارت باید بروند و بجای آنها پلیس یا افراد ارتشی متحدالشکل در بیرون محوطه گمارده شوند. انتظام‌یادداشت کرد و گفت که در ملاقات آینده‌اش در تهران در هفته آینده مساله را فقط بخاطر جلب رضایت خاطر ماه حل خواهد کرد. استمپل به او توصیه کرد که در مورد بازگشتش به تهران با کاردار «لینکن» تماس بگیرد.

### انتظام خواهان روی کار آمدن میانه‌روها است

(از سند شماره ۶۸۹۱ مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۸)  
«... انتظام بدین حقیقت اقرار کرده که روحانیون در انتخابات آینده، بیش از نیمی از کرسیهای مجلس را بدست خواهند آورد و به آمریکا و دیگران تذکر داد که مجبور خواهند بود به مدت چهار سال با روحانیون درگیر باشند. انتظام‌ها تردید اظهار امیدواری کرد که میانه‌روها بعد از انتخابات بتوانند دولت را بدست آورند. او این مسئله را برای بازگرداندن اعتماد به طبقه متوسط و نیز برای حیات اقتصادی ضروری می‌داند.

۸- در جواب سؤال مستقیم دربارهٔ بختیار در صحنه سیاست، انتظام مسئله را منتفی دانسته گفت که بختیار می‌تواند کوشش کتاب خاطراتش را به اتمام برساند، از بختیار را تهدیدی برای دولت موقت نمی‌داند.

### تبادل اطلاعات

(از سند شماره ۸۷۷۹ مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۵۸)  
۲۵- سیا (CIA) از کاردار

وظیفه گرداندگان سیاست خارجی ایران است. ولی انجام این وظیفه جز با شناخت صحیح جنبه جهانی مستضعفین و جنبه جهانی مستکبرین ممکن نیست. مستکبرین، در عین آنکه جنبه واحد خود را بوجود آورده‌اند و حفظ میکنند، از پیدایش و رشد جنبه واحد مستضعفین جلوگیری میکنند. آنان در اجرای این سیاست قبل از هر چیز به دست-نشانده‌گان و خائنانی چون سادات و صدام و شاه ملعون و نظایرشان تکیه میکنند. افشای این سر-سپردگان و منزوی کردن آنان در میان خلقهای خودشان و خلقهای منطقه نخستین گام در ایجاد و رشد جنبه واحد مستضعفین در منطقه است. در برابر جنبه مستکبرین جهانی است که اسرائیل نیروی ضربتی آن در خاورمیانه و نزدیک است.

اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تحولات جاری در لبنان که در آن خط فاصل بین این دو جنبه بدرستی تعیین شده است، و همچنین سفر معاون سیاسی نخست‌وزیر به سوریه برای تأکید بر پشتیبانی ایران از سوریه در برابر اسرائیل، نوید می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران بالاخره بتواند رسوبات لیبرالی در سیاست خارجی ایران را از میان بردارد و مقام شایسته خود را در حمایت از مبارزه زحمتکشان در برابر امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، در صحنه جهانی احراز کند.

به کاردار گفت که با یزیدی تماس خواهد گرفت و ترتیب ملاقات را خواهد داد. انتظام گفت با کاردار «لنچن» بعد از گفتگوی او با یزیدی تماس گرفته خواهد شد تا مناسبات را فراهم آورد.

### ابراز تاسف انتظام از کوتاهی آمریکا در اقدامات عملی برای بهبود روابط ایران و آمریکا

(از سند شماره ۱۹۶۴ مورخ ۹ اکتبر ۱۹۷۹)  
۱- (سری - تمام متن)  
۲- وزیر مختار در ۵ اکتبر به امیرانتظام تلفن زد تا همانطور که تلکس مرجع پیشنهاد کرده بود، تحولات اخیر ایران را مورد بحث قرار دهند. به هر حال انتظام به بحث در مورد تحولات خاصی از قبیل شخصیت‌های جدید کابینه اظهار تمایل کرد، ولی تمایلی به بحث در مورد روابط عمومی آمریکا و ایران نداشت. وی به تفصیل تاسف خود را از کوتاهی آمریکا در اتخاذ اقدامات عملی ابراز نمود. اقداماتی که بلافاصله باعث بهبود روابط دوجانبه شود و بازرگان و اطرافیان او مثل انتظام را که علیرغم «امتناعات آمریکا» هنوز با اصرار هرچه تمامتر طرفدار غرب هستند، تقویت کند، و بتدریج تحریکات ضد آمریکائی آیت‌الله خمینی را، «رهبری که شما (آمریکا) باید با او کنار بیاورید» ملایم کند.

### تکذیب افتراهای...

مسئول قرار داده است و خواهد داد. حزب توده ایران بخود می-بالد که در این زمینه در دفاع از انقلاب، موفق به خدمات موثری نیز شده است.

۲- حزب توده ایران هیچگاه در مورد «مجاهدین خلق»، «راپرت» نداده است. این اتهامی بی‌بایه و دروغی زشت است و قاطعانه تکذیب می‌شود.

۳- «مجاهدین»، اتهامات خود را مانند همیشه، بر هیچ دلیل و مدرکی متکی نکرده است. لازم است که «مجاهدین خلق» دلایل خود را در مورد «راپرت دادن دو نقطه حساس استراتژیک در کردستان»، «لو دادن افراد و اماکن و مراکز مجاهدین» و «راپرت دادن» در مورد اینکه «مجاهدین در کودتای آمریکائی دست داشته‌اند» و... با ذکر مدرک و سند فاش سازند.

۴- حزب توده ایران، از آنجا که اکثریت اعضاء و هواداران مجاهدین خلق را جزء نیروهای خلق میدانند، علیرغم دشمنی و افتراهای وارده از جانب «سازمان مجاهدین خلق» به حزب توده ایران، به تلاش خود برای آنکه این نیروها عملاً نیز به جنبه خلق بپیوندند، ادامه میدهد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۶۰۲۲۹

آمریکا در استکلم می‌خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزیدی تماس بگیرد و یزیدی با شما تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که اطمینان حاصل شود که یزیدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقات‌ها هماهنگی کامل دارند.

۳- در این زمان شما نباید موضوع ملاقات را با یزیدی و نخست‌وزیر در میان بگذارید. اگر این سؤال به میان آمد، شما باید از تمام مقامات رسمی که در این جلسه شرکت خواهند کرد آگاه شوید و بگوئید که بعد از تماسهای بیشتر یا واشنگتن به آنها جواب خواهید داد.

۴- امکان دارد که جرج کیو برای گفتگوهای بیشتر با انتظام سفر دیگری به استکلم بنماید. ما تصویب سفر را تا تصمیم و بررسی نهایی واشنگتن به تعویق انداخته‌ایم.

(از سند شماره ۴۳۲۸ مورخ ۱۳۵۸۰۳۳)  
۳- خبر پرشت توسط معاون رئیس اطلاعات به ما رسید. انتظام گفت که او قبل از سفرش به ایران و یابهمحض ورود به ایران با دکتر یزیدی در مورد تبادل اطلاعات تماس خواهد گرفت. انتظام می‌داند که این اطلاعات ممکن است از نظر محتوی کامل نباشد و اگر ملاقات در دهم سپتامبر انجام می‌گرفت، ممکن بود از محتوی بهتری برخوردار باشند. انتظام

### بقیه از صفحه ۱

عصبی به دشنامکوی و افترازی به حزب توده ایران پرداخته است، در شماره ۱۲۰ خود، صفحه ۲۷، دامنه افترا و تمهت را به آنجا رسانده است که از «راپرت‌دادهای حزب توده... علیه مجاهدین»، «ضربه زدن و لو دادن افراد و اماکن و مراکز مجاهدین» توسط حزب توده ایران، «راپرت دادن دو نقطه حساس استراتژیک در کردستان توسط حزب توده» و سرانجام «راپرت دادن سه ارتجاع» که مجاهدین در کودتای آمریکائی دست داشته‌اند» سخن به میان می‌آورد.

ما دشنامها و افتراهای زشت «مجاهدین خلق» را، که تنها بقصد پوشانیدن ضعف منطقی استدلال این سازمان در مقابل استدلالات متین و منطقی حزب توده ایران، آماده می‌شود، شایسته پاسخگویی نمی‌دانیم. اما این دشنامها و افتراهای زشت اخیر، تذکرات چندی را ضرور می‌سازد:

۱- حزب توده ایران همواره بموجب مسئولیتی که در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی و مردم انقلابی ایران احساس می-کند، هرگونه اطلاعی را که در مورد فعالیت توطئه‌گرانه ضد انقلاب به منظور بسراندازی جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، بدست آورده، در اختیار مقامات

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!



نورالدین کیانوری:

از جلسه «پرسش و پاسخ» ۱۷ اردیبهشت ۹۰

باتکیه بر نیروی توان بخش مردم و مبارزه قاطع و سازش ناپذیر با بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و نمایندگان طبقاتی آنها، در راه حل مسائل بنیادی انقلاب گام برداریم.

سؤال ۱: روحانیت در هفته‌های اخیر "لایحه قصاص" را بمجلس برده است، لایحه احزاب را، که دارای جنبه‌های ارتجاعی است، مطرح می‌کند و فشار خود را بر گروه‌های آزاده‌اندیش هر روز بیشتر می‌سازد. بنابراین، چرا حزب توده ایران هنوز از این روحانیت پشتیبانی می‌کند؟

سؤال ۲: در روزهای اخیر شاهد آنیم که قراردادهای بزرگی، با کشورهای امپریالیستی، که سابقاً "نبض اقتصاد ما را در دست داشتند، بسته می‌شود، بدون این‌که مردم را در جریان امر بگذارند. نمونه آن قرارداد "ایران ناسیونال" با انگلستان، به مبلغ یک میلیارد لیره است. از طرف دیگر، با آنکه دولت ایران کودتای ترکیه را بعنوان یکی از دستاوردهای دولت آمریکا علیه ایران ارزیابی کرد، اکنون به توسعه روابط با این دولت دست زده است.

آیا این گونه پدیده‌ها نشانه آن نیست، که سیاست حاکمیت کنونی ایران، به جهاتی می‌رود، که با ماهیت انقلاب ایران سازگار نیست؟

جواب: به این دو سؤال و چند پرسش دیگر یکباره جواب خواهم داد. انقلاب ایران رویدادی است بسیار بفرخ و پیچیده، که قضاوت در باره آن تنها از روی چند پدیده درست نیست و ممکن است ما را به کور راه ببرد. همانطور که تجربه مبارزات ما در زمان مصدق هم چنین نشان داد. بهنگام قضاوت و نتیجه‌گیری درباره، چنین پدیده بفرنجی باید حداقل رعایت سه اصل را بکنیم:

اول اینکه این ارزیابی باید همه‌جانبه باشد و تنها یک جنبه قضیه را در نظر نگیرد. دوم این‌که باید جنبه یا جنبه‌های عمده را از جنبه‌های فرعی تشخیص داد. سوم اینکه باید پدیده را در روند حرکت آن مورد قضاوت قرار داد. بدین معنی، که عامل عمده امروز لازم نیست که فردا هم تعیین کننده باشد.

برای توضیح این نکات، چند مثال بزنم: بطور کلی می‌شود گفت که استبداد سلطنتی پدیده‌ای ارتجاعی است. اما به تاریخ که نگاه بکنیم، می‌بینیم در دوران معینی، و در لحظه معین، یک چنین سلطنتی می‌تواند حتی مرفی باشد. نمونه‌اش امیران الله‌خان افغان، نماینده فئودالیسم افغان بود، که آدم مستبدی بود و چیزی هم از دموکراسی سرش نمی‌شد. اما همین آدم فردی ضد امپریالیست و ملی بود، که با همه نیرو علیه سلطه استعماری انگلستان در کشور مبارزه ضد امپریالیستی می‌کرد. از آنجا که در آن زمان این مبارزه تعیین کننده بود، می‌شود گفت که این سلطان مستبد نقش مرفی بازی می‌کرد.

مثال دیگر بورژوازی لیبرال است. بورژوازی در آن وقت که بوجود آمد، یعنی در دوران استبداد پادشاهان و سلطه فئودال‌های فرانسه، برای جامعه‌ای عقلایی‌تر و بخاطر آزادی و برابری برای طبقه خویش مبارزه می‌کرد و از این لحاظ مرفی بود. در آن زمان، کسانی مانند منتسکیو و ولتر اندیشمندان بسیار مرفی بودند. ولی همین بورژوازی لیبرال وقتی دید که انقلاب کبیر فرانسه، سرعت ویزگی‌های خلقی به خود می‌گیرد، از طریق "میرابو"ها و "لافایت"ها، به انقلاب خیانت کرد و بالاخره توانست با سازش با بقایای استبداد سلطنتی و روی کار آوردن ناپلئون بناپارت جنبه‌های خلقی انقلاب را سرکوب کند. بدین ترتیب، بورژوازی لیبرال فرانسه در فاصله هفت‌هشت ساله از مظهر آزادی، برابری و ترقی به چماق ارتجاع و اختناق میدل شد.

یا اینکه همین بورژوازی لیبرال "خودمان" را بگیریم. بورژوازی لیبرال در زمان شاه مبارزه‌ای می‌کرد. با "ساواک" آن طوری هم موافق نبود. البته این بورژوازی بازار آن وقت هم پول بدی به جیب نمی‌زد. اما آنطور شلتاق هم نمی‌توانست بکند. فرض کنید یک پارتنی جنس عمده از خارج می‌آورد و یک سود پنج میلیون تومانی به جیب می‌زد. بعد رئیس "ساواک" بازار پیش او می‌رفت و احوالرسی از حاج‌آقا می‌کرد. اگر حاج‌آقا فوراً چک را امضاء می‌کرد، خوب کاری بگارش نداشت و گرم و نرم خدای حافظی می‌کرد، و بی کاری می‌رفت. وگرنه روز بعد نامه‌ای بدستش می‌رسید که برای ادای برخی توضیحات به "ساواک" رجوع کند که البته منظور باج دادن به "ساواک" چی‌های خرده‌ها تا درباری‌ها بود. معلوم است که این آقای بازاری نمی‌توانست با اینطور "زورگوئی‌ها" و "دستبردها" به سودکشی‌هایش موافق باشد. حتی حاضر بود یواشکی به مبارزان انقلابی ضد رژیم ساواکی کمک مالی هم برساند.

گفته آیت‌الله مهدوی کنی (در روز جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ در نماز جمعه همدان) همین موضوع را بصورت معینی تأیید می‌کند. "قبل از انقلاب خیلی‌ها با ما بودند، ولی بعد راهشان جدا شد و خیلی از تجار نیز روش خود را تغییر دادند و اکنون از موقعیت سوء استفاده کرده و سودهای کلان به جیب زدند."

باید گفت که این‌ها فقط به این خاطر مبارزه کردند که در عرض یک سال اخیر، به قول آقای سبحانی، یکصد و بیست میلیارد تومان از ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان را بالا بکشند.

اگر یکسال پیش، یک خانواده کارگری می‌توانست هفته‌ای یک کیلو گوشت به مبلغ ۲۵ تومان بخرد، حالا باید برای همین یک کیلو گوشت صد تومان بپردازد. حتی به فرض اینکه قیمت گوشت در بازار جهانی ۱۰ درصد هم بالا رفته باشد، ۲۲/۵ تومان آن به جیب همین تاجرها رفته است.

به این ترتیب، تعجبی نیست که بورژوازی ملی با همه نیرو سعی می‌کند سرمایه‌داری را حفظ کند، تقریباً مثل همان دوران پیش از انقلاب تنها منهای "ساواک". به این ترتیب ممکن است که یک پدیده اجتماعی به مرور زمان وزن و نقشش تغییر پیدا کند. اما در باره این که موضع ما در باره روحانیت چیست. بنظر من اینجا مسئله روحانیت به معنای عام مطرح نیست. اولاً روحانیت یک پدیده یک‌دست و همگونی نیست و ثانیاً "حاکمیت کنونی تنها از روحانیون تشکیل نمی‌شود. به دولت کنونی نگاه کنید. فقط دو نفر آن‌ها روحانی هستند. بقیه را می‌شود گفت که مسلمان مبارز و مکتبی هستند. ما در پلنوم

اخیر خود نیروهای را که زیر پرچم اسلام در میدان مبارزه اجتماعی-سیاسی شرکت دارند، به سه بخش تقسیم کردیم: قشربون و انحصارطلبان واقع بینان، روشن بینان. در اسناد پلنوم هم توضیح بیشتری در این باره دادیم. البته در داخل هر یک از این گروه‌ها می‌شود گرایش‌های مختلفی دید. مثلاً همین انحصارطلبان و قشربون که همگونی نیستند. کسانی هستند که ضد امپریالیست و خیلی خلقی هستند. با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان جدا "مخالفند و حاضرند مانند خیلی از پاسداران و کسانی که در جهاد سازندگی هستند، جان خود را هم در این راه بگذارند. از طرف دیگر، این خصوصیت را هم دارند که در عین ضد امپریالیست و خلقی بودن نمی‌خواهند به دیگران دینشان هم حق اظهار عقیده بدهند. اما هستند قشربونی هم که خود کلان سرمایه دار و بزرگ مالکند و بیشتر به تبعیت از موضع طبقاتی خویش هیچ‌گونه حقی برای دیگران قائل نیستند. و حتی قشربون نوع اول را "کمونیست" می‌دانند چون جرئت می‌کنند مشروعیت "مالکیت" غارت‌گرانه را مورد تردید قرار دهند. معلوم است که رفتار ما با این دو نوع قشربون نمی‌تواند یکسان باشد. در حالی که حاضریم با گروه اول، در عین مبارزه با قشری‌گیشان، همکاری بکنیم و همسنگر باشیم، طبیعی است که با گروه دوم نبرد سختی داریم.

عین این تقسیم بندی در مورد به اصطلاح "آزاداندیشان" هم صادق است. "آزاداندیشی" داریم، که طرفدار سرمایه داران و بزرگ زمینداران و امپریالیسم است (مانند بختیارخان و ابوالفضل قاسمی ساواکی و یارانشان) که خیلی هم ظاهر به اصطلاح "دموکراتیک" به خود می‌گیرند. بنابراین می‌بینید که برخورد ما با نیروهای اجتماعی، از جمله نیروهای مذهبی، به هیچ‌روی مطلق‌گرایانه نیست.

البته برخی از پدیده‌هایی، که در دوران اخیر دیده شده است، مانند رد لایحه مستاجر و موجد در مجلس و یا برخی عقب‌نشینی‌های دیگری که در برابر بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری می‌شود، قابل تأسف است و به حاکمیت کنونی در این باره باید هشدار داد. اما در عین اینکه این پدیده‌ها را می‌بینیم و مورد انتقاد جدی قرار می‌دهیم، موضع خود را در برابر حاکمیت انقلابی بر پایه معیارهای اساسی و همه‌جانبه در جهت تعمیق ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب تعیین می‌کنیم.

از طرف دیگر، واقعیت اینست که حاکمیت کنونی ایران در زمینه

پرتوشیمی با زاین پادرواست. یک وقت گفته می‌شود که زاینی‌ها آدم‌های خوبی هستند. می‌آیند و حاضرند کار مجتمع را تمام کنند، بعد می‌گویند وسط راه هستند. آخر هم معلوم می‌شود که آن‌ها به هیچ‌وجه چنین قصدی ندارند و... آخر تا کی باید در دام نقشه‌های امپریالیستی برای اعمال فشار افتاد؟ آیا مجتمعی را که فقط ده درصد به تکمیل آن باقی است، نمی‌شد از طریق مناسب دیگر فیصله داد و از مزایای واحد صنعتی بزرگ بهره‌برد؟ یا اینکه مسئله دانشجویان ایرانی در خارج را بگیریم. بیش از یک سال پیش زیر پرچم "انقلاب فرهنگی" و مبارزه با غرب زدگی فرهنگ ما، دانشگاه‌ها تعطیل شد. ما از همان ابتدا با تعطیل دانشگاه‌ها مخالف بودیم و گفتیم که "انقلاب فرهنگی" می‌تواند در عین باز نگاه داشتن مراکز آموزش و پرورش عالی انجام شود. تا کنون در چند جای دنیا که تعطیل دانشگاه را آزمایش کرده‌اند، این تجربه موفقیت آمیز نبوده است. می‌دانیم که تعطیل نهادهای آموزش و پرورش در چین، از جمله دانشگاه‌ها، فاجعهای جبران‌ناپذیر برای آن کشور بود. متأسفانه آن موقع، حاکمیت ایران به این نتیجه رسید که باید دانشگاه‌ها را تعطیل کرد. در صورتی که از این در حدود صدویست هزار نفری که در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کردند، می‌شد لاقلاً از عده‌ای برای پیگیری کارهای فنی استفاده کرد.

اما ما در عوض چکار کرده‌ایم؟ در حدود صد هزار دانشجوی را در غرب نگه داشتیم و برای هر یک از آنها در حدود ۶۰ هزار تومان در سال ارز می‌فرستیم. باید پرسید آیا تأثیر فرهنگ غربی بر دانشجویی که در کالیفرنیا، نکرانس، مجستر، یاریس و رم و... درس می‌خواند بیشتر است یا در ایران؟ در حالی که می‌دانیم اکثریت عظیم این دانشجویان به کشور باز نخواهند گشت! بدین ترتیب، ما داریم به امپریالیسم باج مجانی می‌دهیم. مفرهای خود را به غرب می‌فرستیم که با خرج مردم ایران در آنجا تربیت شوند و بعد هم برای امپریالیسم خدمت کنند. از یک طرف داد می‌زنیم که می‌خواهیم با غرب زدگی و نفوذ فرهنگی امپریالیسم مبارزه کنیم و از طرف دیگر خود ما آگاهانه به نگهداشت این وضع کمک می‌کنیم. در این زمینه، جالب، ولی تأسف‌آور است که سیاست "نه شرقی، نه غربی" هم در عمل به صورت "نه شرقی، هم‌اش غربی" درآمده است. از یک طرف از حدود ۱۰۰ هزار دانشجویی، که در غرب داریم، تقریباً ۵۰ هزار نفر در مقر دشمن شماره یک انقلاب ما تحصیل می‌کنند، آزادانه

**● درباره پدیده‌های بفرنج اجتماعی باید همه‌جانبه و پویا و با رعایت اولویت اصلی بر فرعی ارزیابی کرد.**  
**● در زمینه قطع وابستگی‌های اقتصادی هنوز میان حرف و عمل خیلی فاصله است.**  
**● ادامه تعطیل دانشگاه بسود مبارزه با وابستگی فرهنگی به امپریالیسم نیست.**  
**● چگونه در زمینه تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج سیاست «نه شرقی، بلکه غربی» اعمال می‌شود؟**

ارز می‌گیرند و هر سال هم می‌توانند دو سه بار به ایران بیایند. از طرف دیگر، برای در حدود پنجاه نفری که می‌تواند و می‌خواهند در کشورهای سوسیالیستی، آن‌هم بطور رایگان، درس بخوانند، شدیدترین مشکلات را فراهم می‌آورند. برای مثال، یک دانشجوی سال پنجم معماری دانشگاه مسکو، که یکسال دیگر به اتمام تحصیل او مانده است و برای دیدن خانواده‌اش به ایران آمده است، یکسال است که از این اداره به آن اداره مراجعه می‌کند تا بتواند به محل تحصیل خود بازگردد. چرا؟ برای اینکه در مسکو تحصیل می‌کند و نه در آمریکا و یا در دیگر کشورهای غربی. این است سیاست "نه شرقی، نه غربی" و مبارزه با قطع وابستگی فرهنگی به امپریالیسم؟ باید دید چه دست‌هایی در کار است که چنین به خرابکاری مشغول است.

مسئله دیگر، تأمین آزادی‌های فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی هوادار انقلاب است.

نزدیک یک سال پیش ساواکی‌ها زیر پوشش حزب اللهبی به دبیرخانه حزب ما حمله کردند و اموال ما را به غارت بردند.

ما این را به مقامات دولتی اطلاع دادیم و براساس اطلاعاتی که از درون این باصطلاح "حزب اللهبی"ها کسب کرده بودیم، به آنها گفتیم که می‌خواهند باین وسیله کشف کنند چگونه ما از مراکز فعالیت ضد انقلاب آگاه می‌شویم. البته شاید چند قشری ناآگاه هم در میان این ساواکی‌ها بودند. ما از همان فردای این جریان به مراجع قانونی مختلف رجوع کردیم. در این بین، مقامات گوناگون کشور، از جمله دادستان کل، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر کشور و... همه درباره ضرورت آزادی احزاب صحبت کرده‌اند. اما، در عمل، می‌بینیم که دبیرخانه حزب توده ایران هنوز به ما پس داده نشده که هیچ، دیگر مراکز حزب ما نیز در اشغال است و هنوز هم به آنها هجوم می‌شود. بجز ما گروه‌های سیاسی دیگری هم هستند، که آماده‌اند در جارجوب جمهوری اسلامی مبارزه قانونی بکنند و آنها هم هدف این‌گونه تهاجمات قرار می‌گیرند.

متأسفانه در این مورد هم فقط تعارف می‌شود. همین پریشب آقایان رجایی و وزیر کشور در مصاحبه‌های خود بار دیگر لزوم آزادی فعالیت احزاب را تأکید کردند. ولی معلوم نیست که چه نیروهایی، علیرغم اظهارات بالاترین مقامات حاکمیت کنونی، در این زمینه هم به کارشکنی دست می‌زنند. بهرحال در اینجا هم میان حرف و عمل فاصله زیاد هست. مسئله دیگر مسئله تصفیه نهادهاست. امام خمینی با دستور فوق‌العاده صریح و روشن این مسئله را مطرح کرده‌اند که افراد ساواکی در داخل کمیته‌ها و در داخل سیاه پاسداران نفوذ کرده‌اند و جاهای حساسی را در دست گرفته‌اند، و از آنجا به خرابکاری دست می‌زنند. امام خمینی در عین حال ضرورت و بی‌گیری در تصفیه این نهادها را مطرح کردند. اما

بقیه در صفحه ۶



# کارگران ضرورت تدوین قانون کار مترقی را، باشرکت نمایندگان خود تاکید کردند

طبقه کارگران ایران امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا را دشمن اصلی خود میدانند.

کارگری،  
۴- اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی،  
۵- ملی شدن تجارت خارجی.

## در همدان

کارگران، دهقانان، زنان و نهادهای انقلابی، از جمله هیئت‌های هفت نفری و بسیج مستضعفین، روزاول ماه را، طی یک راهپیمایی، گرامی داشتند.

در پلاکاردهایی که از سوی کارگران حمل می‌شد، "لغو فوری قانون کار طاغوت" و "تدوین قانون کار مترقی" با مشارکت نمایندگان کارگران، به قوت مطرح شده بود. از سوی کارگران قالیباف جهاد سازندگی پلاکاردی به این مضمون دیده می‌شد:

"کارگران! باتولید بیشتر، ارکان انقلاب و جمهوری اسلامی را مستحکم تر نمایند."

در این قطننامه از جمله کارگران خواستار سرکوب تجاوزگران صدامی شده و حمایت خود را از دولت اعلام داشته‌اند. در قطننامه "لغو قانون کار طاغوتی، بخصوص ماده ۳۳ آن و تدوین قانون جدید"، به‌منابه خواست دیگر کارگران آمده بود.

شرکت طرح واسطه بندرعباس، روز پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت، در محل کارگاه، برگزار شد، نماینده کارگران سخنرانی کرد و فیلم "حقیقت" (از صحنه‌های جنگ تحمیلی) به نمایش گذارده شد.

(این شرکت ساختمانی، جانشین شرکت آمریکایی "براون اندرود" است، که پس از انقلاب به مالکیت دولت درآمده و بایکصد کارگر، انجام قسمتی از عملیات ساختمانی نیروی دریایی بندرعباس را برعهده دارد.)

نمایندگان کارگران در سخنان خود، پس از برشمردن تاریخچه اول ماه مه، شرایط کنونی جهان و میهن انقلابی را بررسی کرد و مساهمیت جهان‌خواهر امپریالیسم آمریکا را نشان داد. وی در ادامه سخنان خود، وضع کارگران را در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، با ذکر آمار و ارقام جامع تحلیل کرد و از دسیسه‌های ضدانقلابی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، در سراسر جهان پرده برداشت و در پایان، ضمن اعلام شرکت در راهپیمایی عمومی مردم شهر در روزاول ماه مه، خواست‌های کارگران را به شرح زیر مطرح کرد:

۱- از مسئولین امور مملکت می‌خواهیم که برای استحکام صفوف ضد-امپریالیستی، در جهت از هم پاشیدن نظام ضدانسانی و استعمارگر امپریالیسم اتحاد خود را با اردوگاه انقلاب جهان اعلام دارد،

۲- برسمیت شناختن تشکلهای کارگری در کارگاهها،

۳- لغو قانون کار طاغوت و تدوین قانون کار جدید، با شرکت ارگان‌های

رفع تجاوز صدام  
تدوین قانون کار با مشارکت  
شوراها و نمایندگان کارگران،  
اخراج مدیران غیرانقلابی و ضد

کارگر،  
ملی کردن تجارت خارجی،  
ادامه روند ملی کردن کارخانهها  
و صنایع وابسته،

اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی و خلع ید از بزرگ مالکان تثبیت نرخ ارزاق عمومی و ما یحتاج زندگی،

رسیدگی عاجل به آوارگان جنگی، تعیین تکلیف اساتنام شوراهای لغوفوری ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی، تا تدوین قانون کار جدید، در پایان قطننامه، ضمن محکوم کردن "هرگونه تشنج و درگیری، که در شرایط فعلی به نفع آمریکاست"، آمده است که:

"درحالی که سربازان و پاسداران درجه‌های نبرد علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، ورژیم مزدور صدام حماسه‌آفرینند، ما کارگران نیز در پشت جبهه در سنگر کارخانه‌ها به افزایش تولید ادامه داده و هرگونه کم-کاری و کاهش تولید را در کارخانه‌ها محکوم میکنیم."

## چشم اول ماه مه در شرکت طرح واسطه بندرعباس

در مراسمی که از سوی کارگران

## بندر لنگه

روزیازدهم اردیبهشت، علاوه بر راهپیمایی عمومی، به مناسبت فرا-رسیدن روز کارگر، مراسم پر شور و شوری از سوی کارگران و استادکاران کارگاه‌های درونجهرسازی شهر و با حضور کثیری از زحمتکشان برگزار شد.

کارگران برای دعوت مردم شهر به جشن خود، از یک سنت قدیمی سود جستند، به این ترتیب که، همچون جشن‌های معموله، عده‌ای از زنان، با نقل و شیرینی به در خانه‌ها میروند و در می‌زنند و نیز در کوچه و بازار مردم را به جشن خویش دعوت می‌کنند. این را "خندق" می‌نامند.

در این مراسم پس از یک سخنرانی اسلامی‌های جنبش کارگری و یک فیلم فلسطینی نمایش داده شد.

## در بندرعباس

زحمتکشان بندرعباس طی راه-پیمایی با شکوهی روز کارگر را گرامی داشتند. در پایان این مراسم، قطننامه پیشنهادی به تصویب شرکت کنندگان رسید.

در این قطننامه، پس از تاکید بر "پشتیبانی و حمایت کامل از رهبر انقلاب و دولت و ارگان‌های انقلابی، که در جهت منافع کارگران و دهقانان شهر و روستا فعالانه خدمت می‌کنند"، موارد زیر بعنوان خواست‌های اساسی زحمتکشان مطرح شده بود:

## برگزاری جشن اول ماه مه در کارخانه قرقره زیبا - تهران

به دعوت شورای اسلامی کارکنان کارخانه قرقره زیبا، در تاریخ ۶۰/۲/۹، مراسم جشنی با حضور تمامی کارگران، به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر برپاگردید.

در این مراسم نخست یکی از اعضای شورای اول ماه مه را به کارگران تبریک گفت و ضمن توضیح چگونگی پیدایش روز جهانی کارگر، اضافه کرد:

"ما کارگران بعد از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شاه خائن موفقی به برگزاری جشن اول ماه مه شده ایم و از این

جهت افتخار می‌کنیم"

وی ضمن اشاره به تاریخ مبارزات کارگران در دوران اختناق پهلوی، از مبارزه کارگران "جیت سازی تهران" تجلیل بعمل آورد و در پایان به شهدای جنبش کارگری و انقلاب ضد امپریالیستی درود فرستاد.

پس توسط کارگران کارخانه چند برنامه هنری اجرا شد و مراسم جشن با شعارهای "درود بر خمینی" و "مرگ بر آمریکا" پایان یافت.

## نامه کارگران به «نامه مردم»

"در این روز جهانی بار دیگر همبستگی خود را با کلیه کارگران جهان اعلام می‌کنیم. اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بر همه مبارک باد."

"گروهی از کارگران کارخانجات ساوه، با ارسال نامه‌ای خطاب به "حزب توده ایران"، همبستگی کارگران را به همه زحمتکشان تبریک گفته‌اند. در این نامه از جمله آمده است:

## کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضدانقلاب است!

خواست، در حال حاضر برای بسیاری از کارگران، حیاتی است، لذا نمی‌توان آن را نادیده گرفت، یا از اهمیت ساقط کرد. پیشنهاد مشخصی که در این زمینه می‌توان ارائه داد، این است که: مجموع میزان دستمزد به تاخیر افتاده، کارگران، حداقل در چند مرحله به آنان پرداخت شود و با اقدام مسئولانه و روشن‌نگرانه مسئله امکان اخراج کارگران منتفی گردد.

راست است که بسیاری از دست-اندرکاران واحدهای مختلف، با اشکال-تراشی‌ها و زمینه‌چینی‌ها، آگاهانه در صدد برآمدن و اندوختن راجبایی برسانند که ناگزیر کارگران حتی به اخراج تن در-دهند، به شرط آن که "طلب" خود را دریافت دارند و با این حال "دست"

خواست، در حال حاضر برای بسیاری از کارگران، حیاتی است، لذا نمی‌توان آن را نادیده گرفت، یا از اهمیت ساقط کرد. پیشنهاد مشخصی که در این زمینه می‌توان ارائه داد، این است که: مجموع میزان دستمزد به تاخیر افتاده، کارگران، حداقل در چند مرحله به آنان پرداخت شود و با اقدام مسئولانه و روشن‌نگرانه مسئله امکان اخراج کارگران منتفی گردد.

# پرداخت دستمزد کارگران: واجب و فوری

این روزها کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی در گوشه و کنار کشور چنان‌هاکه به بخش خصوصی تعلق دارند، چه شرکت‌ها، موسسات و کارخانه‌های وابسته به دولت و بنیاد مستضعفین با مشکل پرداخت دستمزد مواجه‌اند.

در بعضی واحدها ضمن این که کارمندان ادامه دارد، ماه هاست پرداخت دستمزد به تاخیر افتاده و در برخی‌ها این تاخیر با تعطیل شدن واحدهای کارولاجرم بیکاری کارگران همراه شده است. و در هر حال، حداقل این مسئله بقوت برای بسیاری زحمتکشان مطرح است که: بالاخره دستمزد ها پرداخت می‌شود یا نه؟

هم اکنون هزاران تن از کارگران ساختمانی، بویژه در مناطق جنگ‌زده-ای چون اهواز، که بسیاری از طرح‌ها در اثر گلوله باران وحشیانه تجاوزگران متوقف مانده، نه تنها کار خویش، یعنی تنها امکان تامین معاش روزانه را از دست داده‌اند، بلکه مدت‌هاست از شمره چند ماهه کار قبلی خویش بی‌بهره مانده-اند. این کارگران متأسفانه آنچنان مستاصل شده‌اند، فشار زندگی به‌ویژه در شرایط گرانی و قیمت‌های سرسام‌آور کنونی آنقدر کم‌رنگ است و آینده، در اثر بی‌برنامگی موجود چنان مبهم، که عموم کارگران سرانجام به اخراج خود تن می‌دهند، شاید باز خرید و تسویه حساب بتواند بخشی از محرومیت‌های مزمن، بدهکاری‌ها و فقر خوفناک آنان را جبران کند.

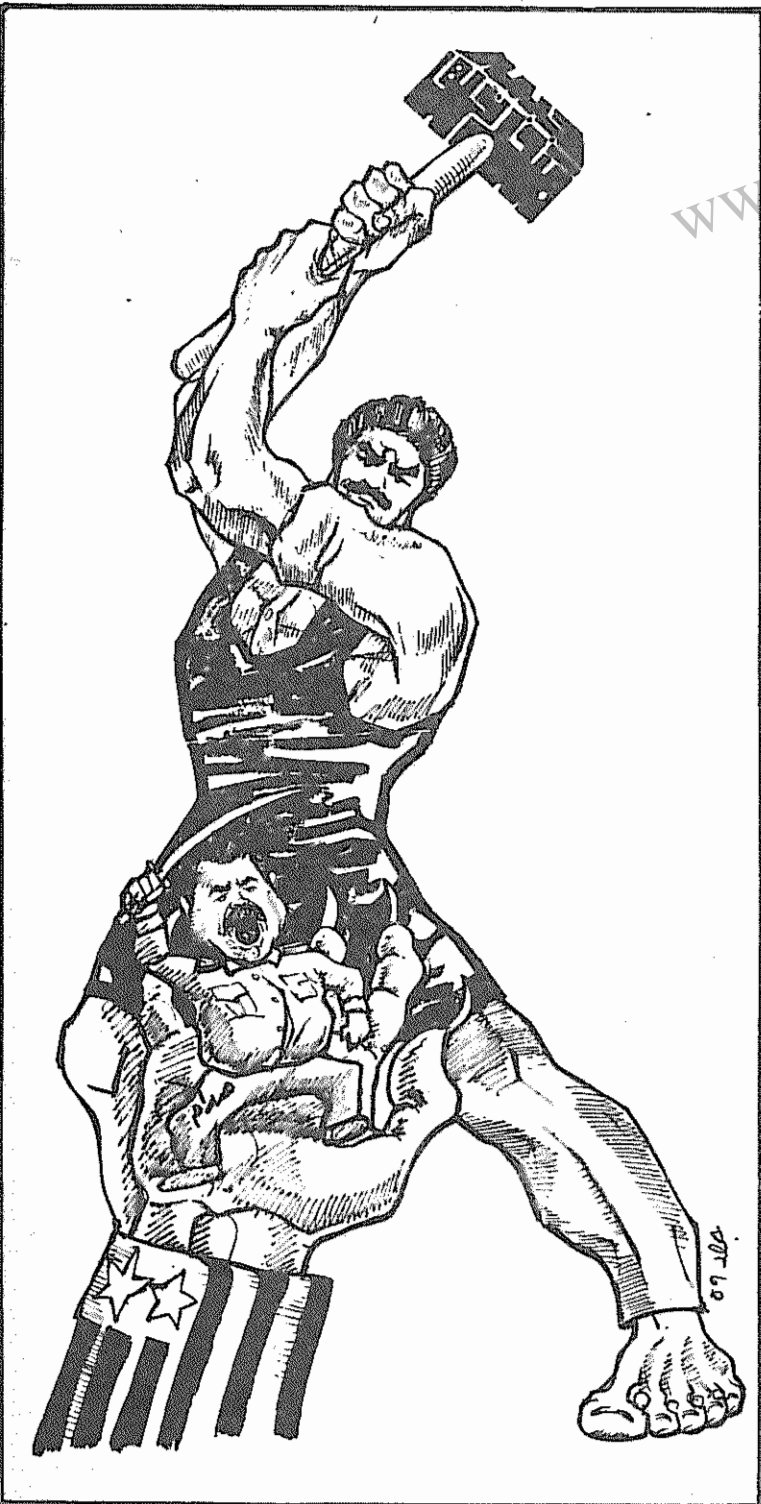
این اخراج نمی‌تواند حتی موقتا تسکین دهنده- و نه التیام بخش- زخم-های کارگران باشد، زیرا اگر در شرایط بلا تکلیفی اندک روزی امید باز باشد، در صورت انقصال از خدمت، هم‌راه با بسته خواهد شد.

از طرف دیگر، ادامه بلا تکلیفی و تاخیر در پرداخت دستمزدی که رسماً باید به کارگران تعلق گیرد، ضمن این که امکان سوء استفاده‌های فراوانی بوجود می‌آورد، در عین حال به تداوم مشکلات خانوادگی و اجتماعی کارگران منتهی می‌شود، ضدانقلاب را جری‌تر می‌کند، تارهای اهریمنی دام دشمنان انقلاب را محکم‌تر می‌تند و گرهی را، که می‌تواند بسادگی باز شود، کور می-کند.

به این ترتیب، از هر نظر که به این مسئله بنگریم، ضرورت جلوگیری از چنین اجحافات به قوت مطرح می‌شود. بگذریم از اینکه اساساً انقلاب از آن زحمت-کشان است و نه تنها برای اهداف خود دستمزد به آنان روانی دارد بلکه به قیمت از میان برداشتن دیوار محرومیت و زنجیر استثمار خواستار تامین یک زندگی شکوفای انسانی برای آنان است.

به هر حال این مسئله را نباید در اسرع وقت بسود کارگران حل کرد. البته حل مسئله به معنای آن نیست که شرایط کنونی را - در آنجا که به واحدهای وابسته به دولت مربوط می‌شود- نادیده بگیریم. اتفاقاً در این زمینه کارگران با هشیاری و احساس مسئولیت - برخورد کرده‌اند و این شیوه راهچنان ادامه می‌دهند. هم‌اکنون روست که با وجود نیاز شدید به دستمزدی مناسب با جوازتج ابتدایی روزمره، و در حالی که میزان دستمزد به هیچ وجه جوابگو نیست، معهداً کارگران اجازه طرح خواست افزایش دستمزد را نمی‌دهند، زیرا اکاملاً آگاهند که به قیمت تحمل بسیار دشواری-ها، باید دولت را، با وجود تنگناهای مالی کنونی، پاری دهند.

پس مسئله در این لحظه، تنها بر سر جلوگیری از تاخیر یا عدم پرداخت همین دستمزد هاست. این کمترین



ویژه  
دهقانان  
آذربایجانی

# دهقانان آذربایجان در انتظار اجرای هر چه زودتر قانون اصلاحات ارضی هستند

توقف قانون اصلاحات ارضی و عصاره حیاتی آن بند "ج" و بند "د" که به زمین بزرگ مالکان مربوط می شود در آذربایجان نیز، لطمه جدی به گسترش انقلاب و به جلب حمایت دهقانان زحمتکش زد. اگرچه در شرایط جنگ دهقانان خوشبختنداری انقلابی نشان دادند، ولی روزبه روز روشن تر شد که ادامه تعویق می تواند موجب تشدید بحران های جدی در روستاهای آذربایجان شود و بویژه این خطر وجود دارد که ضدانقلاب بتواند از ناراضی و یا س دهقانان در این زمینه بهره گیری کند، یعنی بتواند از آنچه خود باتوسل به اعمال فشار بدست آورده، به زیان انقلاب بهره گیری کند. خوشبختانه اکنون دیگر به نظر می رسد که تیرهای بزرگ مالکان به سنگ نشسته باشد و راه برای اجرای سریع و قطعی قانون انقلاب باز گردد. اینک دیگر کمتر کسی را از مقامات متعهد و مسئولان آگاه مملکتی می توان یافت که بر این عقیده نباشد که عدم اجرای تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی، موجب ناامنی و ناراضی خواهد شد، موجب بال و پر گرفتن ضدانقلاب و تقویت پایگاه امپریالیسم خواهد شد، موجب کم شدن تولید کشاورزی و نیاز همیشگی به واردات و عدم علاقمندی دهقانان خواهد شد.

دیگر نقاط ایران، میدان فتنه کاری و آشوبگری را وسعت زیادی داده اند. آنان از یک طرف به اصطلاح "شرع" (استکباری) و "اسلام" (امریکائی) مدافعه می کنند و از طرف دیگر، هر جا که مناسب ببینند، علیه انقلاب و رهبری آن شایعه سازی می کنند، دروغ می سازند و تهمت و افترا می زنند. بزرگ زمینداران با بهره گیری از مناسبات دیرینه و شبکه اعمال نفوذ و امکانات اقتصادی خود به خرابکاری ضدانقلابی سرگرمند. آنها توسط عمال خود فروخته در احتکار و گرانفروشی مواد مورد احتیاج روستائیان هیچ حد و مرزی نمی شناسند و می خواهند از طریق کمبود و گرانی دهقانان زحمتکش را عاصی و ناراضی کنند. آنها با این خرابکاری هایشان سه هدف را دنبال می کنند. آنها می خواهند اینطور وانمود کنند که: اولاً "انقلاب به دهقانان چیزی نداده است، ثانیاً" وضع زندگی روستائیان بعد از انقلاب بدتر شده است، و بالاخره سوم این که دهقانان در آینده نیز نمی توانند منتظر بهبود باشند، تا در نتیجه نسبت به انقلاب و رهبری آن بدبین شوند و بی خیال شوم خودشان "جو مناسبی" برای "بازگشت" فراهم بیاورند.

روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.

انقلابی، صدمه بینی و ضددهقانی، صدای خشم و خروش میلیون ها نفر کارگر و دهقان تهیدست و ظلم دیده برمی خیزد، که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران، از اهداف بزرگ انقلاب جانبداری می کنند. ایمان با تمام توان و نیروی خود برای سرکوب ضدانقلاب تلاش می ورزند، زیرمنافع خود را در پیشرفت و تعمیق انقلاب بزرگمان می بینند. دهقانان خرابکاران آذربایجان خطرات تلخ و تجارب گرانبهای در مبارزه با فئودال ها و اربابان دارند. دهقانان آذربایجانی به چشم خود دیده و با پوست و گوشت خود حس کرده اند که سرکوب انقلاب بدست زمینداران بزرگ چه بلایا و مصیبت هایی را بر سر آنها می تواند بیاورد. دهقانان نسبتاً "مسئول" آذربایجانی خود تجربه کرده و جوانان آذربایجان خوانده و شنیده اند که بعد از توطئه سرکوب نهضت دموکراتیک در آذربایجان، مستبدان خیانت پیشه به هیچ کس، نه به مرد، نه به زن، نه به پیر و نه به جوان، رحم نکردند. آنها هر کس را که بو می بردند حق طلب، ضد فئودال و آزادی خواه است به قتل می رسانند.

افتخار "نامه مردم"، نام پرافتخار دهقانان شهید ده ثمرین، که در این یورش ضدانقلابی تیرباران شدند، چاپ شد. با تکیه بر این تجارب تلخ و گرانبهایست که دهقانان آذربایجان به حق از مسئولان امر می خواهند که دیگر به این قاتلان و اوباشان، به این غارتگران و مفسدان، فرصت داده نشود. روستائیان آذربایجان با آگاهی و هشیاری، از همان روزی که اجرای قانون اصلاحات ارضی به تعویق افتاد، دست به کار شدند، تا حرف حق خود را طنین افکن سازند. کشاورزان آذربایجانی، از آستارا و سراب، از تبریز و ارومیه، از خوی و زنجان بلا انقطاع خطاب به رهبر انقلاب امام خمینی، مجلس شورای اسلامی، آیت الله منتظری، نخست وزیر، دفتر رئیس جمهوری و سایر مراجع، شکایت ها نوشته و طومارها امضاء کرده اند، آنها صریحاً خواستار اجرای فوری اصلاحات ارضی شدند و در برابر اعمال فشار بزرگ مالکان و ایادی آنان، اراده قاطع و خلل ناپذیری خود را همچو سد نیرومندی قرار دادند.

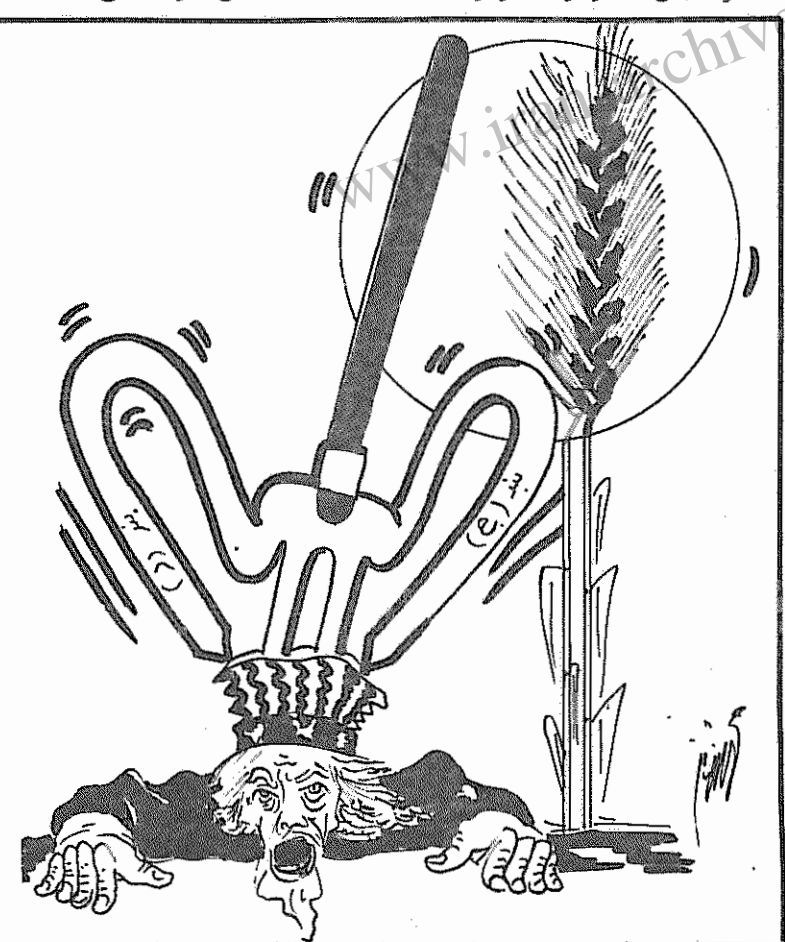
روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.

روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.

روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.

روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.

روستاهای بسیاری از مناطق آذربایجان اینک شاهد این فعالیت تابلود بزرگ مالکان و ایادی آنهاست. دامنه این فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی در ماه های بعد از به تعویق انداختن مواد "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شدت فراوان گرفته است. ضدانقلاب در لباس های مختلف در روستاهای آذربایجان "فرصت طلایی" به جنگ آورده و از عقب نشینی موقتی انقلاب سوا استفاده کرده، تا جایی که آشکارا نیت خود را بیان می کند و نیازی نمی بیند که نقاب حیله و تزویر بر چهره کرده خود بگذارد. بزرگ مالکان و عمال آنها جلوی چشم مردم، از شکست انقلاب و بی ارزش بودن قانون اصلاحات ارضی و عدم کفایت دولت در اجرای آن دم می زنند.



سال حکومت ملی، زمین های اربابان و خان ها بطور مجانی در اختیار دهقانان گذاشته شده بود و دهقان صاحب اصلی زمین شناخته شده بود. نه تنها آذربایجانی ها، بلکه تمام خلق های ایران و جهان می دانند که در این یورش خون پرارزش بیش از ۲۰ هزار آذربایجانی بدست مزدوران شاه حلال ریخته شد. چه ساراز آنها که از دهقانان آذربایجان بودند، همین چند روز پیش، در "لوح

خواستار ریشه کنی فئودالیسم هستند، زیرا که وجود اربابان و زمینداران بزرگ در روستاها برابر است با استثمار و محرومیت اکثریت دهقانان، زیرا که بازماندگان رژیم گذشته در روستاها در عملیات ضد انقلابی خیلی فعال بوده اند و متأسفانه هنوز هم هستند، زیرا که سرگ مالکان مانع رستاخیزی و اردیاب تولید هستند. برای رسیدن و عصی کردن

اینک کشاورزان چشم برافروخته اند که هر چه زودتر اجرای این قانون در اسرع وقت و بدون استثنا آغاز شود و دست هیئت های هفت نفری در آذربایجان برای عمل قاطع بازگردد. بگذار با اجرای بند "ج" و بند "د" قانون اصلاحات ارضی، دهقان صاحب زمین و ثمره دسترنج خود بشود!

**امام خمینی: ما مالکین و سرمایه داران بزرگت را به پای میز محاکمه می کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده اند. بدین جهت مالک کارخانه ها و زمینهای خود نمی باشند.**

بگذار با ریشه کن شدن بزرگ مالکی، زندگی روستائیان شکوفا گردد!

در اطراف اهز و کلپورجان نمایان طرفدار اربابها، با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی روستائیان و با نادیده نگاشتن اصول اسلام انقلابی، در پی صدور حکم برائت برای فئودال ها و خان ها هستند. آنان در بین مردم اینطور سخن برانگی می کنند که "در روی زمین هایی که از اربابها، توسط هیئت ۷ نفری گرفته شد، نه می شود وضو گرفت و نه می شود نماز خواند!"

ولی در شرایط خصوصی که در نتیجه شروع توطئه ششم امپریالیسم آمریکا، در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران، بدست صدام حنایتکار به وجود آمده بود، زمینداران بزرگ دست در دست سرمایه داری لیبرال که از پیشرفت انقلاب بهمراس افتاده است و با همکاری و جوسازی گروهک های "جیب نما" و راست افراطی، به فعالیت تخریبی شان برای از پا درآوردن انقلاب بزرگمان شدت بخشیدند. ضدانقلاب تمام نیروی خود را بکار بست و از تمام امکانات خود استفاده برد. تمام "دوستان" و "یاران" خود را به میدان فرستاد. از عناصر وابسته به رژیم منحوس که متأسفانه هنوز هم در ارگانه ها و نهادها رسوخ دارند، گرفته تا روحانی نمایان (و عاظ السلاطین) فرصت طلب، همگی همگام و متحد شده اند.



# یکی از هواداران سابق «مجاهدین خلق»: نامه مردم

## بزرگی را به روی من گشود

۴. ص، يك توده‌ای نورسیده، یایکی از هواداران سابق «مجاهدین خلق»، طی نامه سرشار از شور و شوق خود، از کورده‌های بی‌سرانجامی که در گذشته‌های نه‌چندان دور پیموده است، سخن می‌گوید. نامه تمامی لبریز از احساسات پاک و شریف یک انسان صادق، پاره‌هایی از این نامه آموزنده را از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرانیم:

«رفقای عزیز! خسته نیاشید، امیدوارم هر کجا قدمی بر میدارید، موفقیت به‌شمالی‌خند برزن. من سرپایزی هستم که حدود پنج ماه است که اختراع توده‌ای بودن را با تمام وجود حس کرده‌ام و هم‌اکنون تاروپود زندگی‌ام بسته به این عزیز تازه آشناست...

از روزی که از صف «مجاهد» کج اندیش بریدم و به «مردم» پیوستم دنیایم بکلی عوض شده است... یکسال راه «مجاهد» را... بخاطر شهدای این سازمان می‌رفتم. ولی هرچه دیدم تناقض بود و بی... ولی «نامه مردم» دروازه‌های دنیای بزرگی را به روی من گشود... مسائل بزرگی برایم بخوبی آشکار شدند. موضع گیری‌هایم در برابر مسائل درموقع بحث تصحیح شدند. اصلا يك آدم دیگری شدم؛ سراپا شوق، سراپا علاقه و امید به آینده‌ای زیبا.

وقتی دوستان مجاهد مرا اینطور دیدند، گفتند هیچ میدانی چکار میکنی! تو داری بسوی کسانی می‌روی که سازمان ما را با ده - دوازده سال سابقه «ناآگاه» و خطاکار» می‌دانند. رفقا می‌دانید در جوابشان چه گفتیم؟ گفتیم: اگر شما به این مسئله معترضید که با این سابقه به شما بگویند «ناآگاه» و خطاکار»، اگر اینقدر به سابقه مبارزاتی توجه دارید، پس بیایید با هم اقلا به حرفهای حزبی گوش دهید که چهل سال سابقه مبارزاتی درخشان دارد و...

لحظاتی در سکوت گذشت. بعد گفتند: حرف آخرت همین است؟ گفتیم: بله! و دیگر ندیدمشان».

رفیق‌ها، در پایان نامه ضمن اشاره به «درگیری‌های خود بافتووالهاخوانین» نوشته است:

«رفقا نمی‌دانید چقدر خوشحالم از این که روح انباشته از عشق به توده و افکارم لبریز از اندیشه‌های توده‌ای است». نامه مردم صحبت بر سر این نیست که هر «مجاهد»ی، اگر سیاست و روش خود را تصحیح کند، باید توده‌ای شود. بی‌چوجه! صحبت ما با «مجاهدین خلق» اینست که با حفظ ایدئولوژی و سازمان مستقل خود، آنچه‌ان سیاست و روشی اتخاذ کنند که درجبت انقلاب و بسود انقلاب باشد، چیزی که متأسفانه الان نمی‌توان گفت. امید ما آن است که، تا خیلی دیر نشده، «مجاهدین خلق»، با حفظ ایدئولوژی و سازمان مستقل خود، سیاست و روش خود را تصحیح کنند.

اعتراض‌عده‌ای از آموزگاران پاکسازی شده میانه

عده‌ای از آموزگاران پاکسازی شده میانه، با ارسال نامه‌ای به «نامه مردم»، ضمن اعتراض به پاکسازی خود، خواستار احقاق حقوق خویش شده‌اند. در این نامه از جمله آمده است:

«همزمان با پاکسازی در اداره آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی توسط گروه‌های پاکسازی، حدود ۵۵ تن از معلمان شهرستان میانه نیز، از تاریخ ۲۶/۶/۶۷ به بعد، پاکسازی شده‌اند. ۵ تن از پاکسازی شدگان از وابستگان رژیم سابق بودند و بقیه به دلایل غیرمنطقی و بی‌جا و به بهانه‌های مختلف

# دانستنی‌هایی چند درباره گرنادا

مردم از مالیات بردرآمد معاف هستند. سیاست نامبرده از پشتیبانی روزافزون مردم گرنادا بهره‌مند می‌شود، که هرچه بیشتر به سازمان‌های توده‌ای، چون سندیکاها و اتحادیه‌های زنان و جوانان "جنبش جیوئل جدید" می‌پیوندند و بدینسان، پایگاه اجتماعی انقلاب را تقویت می‌کنند. تازه‌ترین نمود این روند تشکیل میلیس توده‌ایست.

چنانکه یونی‌سون و ایست من، عضو هیئت سیاسی "جنبش جیوئل جدید" اظهار داشت:

"از آنجاکه حزب و خلق ما سمتگیری سوسیالیستی را برگزیده است، امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، در صدد است که انقلاب ما را درهم شکند. دولت ریگان بر "جامعه اقتصادی اروپا" و "صندوق بین‌المللی پول" فشار وارد می‌آورد، که از واگذاری اعتبار به ما خودداری ورزند. امپریالیسم به‌رژیم‌های وابسته به خود در منطقه ما اسلحه می‌دهد و، از این راه، گرنادا را تهدید میکند.

"جنبش جیوئل جدید" مهم - ترین راه تحکیم ناوابستگی ملی را در دستیابی به استقلال اقتصادی می‌بیند. گرنادا کشوری است کشاورزی ۹۵ درصد صادرات آن از این راه تامین میگردد. از اینرو رهبری گرنادا سال کنونی را "سال کشاورزی و صنایع زراعی" نامیده و افزایش تولید کشاورزی را وظیفه درجه یک خود تعیین کرده است.

نام رسمی: استیت آو گرنادا (کشور گرنادا) وسعت: ۳۴۴ کیلومتر مربع جمعیت: ۱۱۰۰۰ نفر رشد جمعیت: (۱۹۷۰/۷۷): ۰/۶ درصد ترکیب جمعیت: ۷۴ درصد آفریقایی - آمریکایی، ۲۰ درصد دورگه، ۵ درصد هندی، ۱ درصد سفید پوست. پایتخت: سنت جورج (۲۳ هزار نفر) زبان رسمی: انگلیسی شکل حکومت و دولت: پادشاهی پارلمانی رئیس‌کشور: ملکه الیزابت دوم (بریتانیا) بوسیله فرماندار کل اودر گرنادا سیاست خارجی: عضویت در "سازمان ملل متحد"، "سازمان کشورهای آمریکایی"، "کشورهای مشترک المنافع"، "بازار مشترک کارائیب" ("کاریکوم").

بیش از دوسال است که جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی "جیوئل جدید" ("کوشش مشترک برای رفاه، فرهنگ و آزادی")، زیر شعار "پیوسته به پیش، هرگز نه به پس"، خلق گرنادا را بسوی دگرگونی‌های بنیادی راهگشاست. زیر رهبری این جنبش بود که مردم گرنادا، ۲۲ سپتامبر ۱۳۵۸ (۱۳ مارس ۱۹۷۹)، حکومت نواستعماری و دیکتاتوری را که پندار بافی او درباره "اشیا" پرنده ناشناس (!) زبازد عام بود، سرنگون ساختند.

در همان روز "دولت انقلابی خلق"، بر رهبری مورس بی‌شاپ، صدر هیئت رئیسه "جنبش جیوئل جدید" تشکیل شد. این دولت در دو سال اخیر، گام‌های چندی در راه چیرگی بر میراث شوم استعمار و نواستعمار برداشته است. پس از انقلاب گرنادا، همه قوانین

دوران دیکتاتوری لغو و قوانین جدید و دیکراتیکی جایگزین آنها شد. در این قوانین، از جمله، حق تشکیل سندیکاها و عضویت در آنها، منع تبعیض زن، اصل "دستزد برابر برای کار برابر" و درمان رایگان در بیمارستان‌های همگانی و کانون‌های پزشکی تسجیل یافت.

زیر رهبری "جنبش جیوئل جدید" مردم گرنادا سرنوشت خود را به دست خویش گرفتند، اصلاحات ارضی، از جمله تشکیل تعاونی‌ها و بهره‌برداری از قطعه زمین‌های جدید، آغاز گشت. برای کمک به پایه‌گذاری و گسترش جنبش تعاونی، نهادی بنام "آژانس ملی برای پشتیبانی از تعاونی‌ها" تشکیل شد. "اداره ملی واردات و بازاریابی" هرچه بیشتر واردات و صادرات گرنادا را زیر نظارت خود درمی‌آورد. از آغاز کار دولت خلقی تاکنون، ۲۵۰۰۰ محل جدید کار پیدا کرده است. این دولت در پایان سال ۱۹۷۹ (اویل دیمه‌ماه ۱۳۵۸) بودجه‌ای، شامل ۱۰۳ میلیون دلار کارائیب خاوری (۱۱ دلار ایالات متحده = ۲۷/۷۰ دلار کارائیب خاوری) برای سال بعد تصویب کرد، که دوبرابر آخرین بودجه سالیانه دولت سابق بود. به کمک این بودجه، دولت پرداخت کمک‌هزینه‌هایی را در قبال تولید برخی کالاها آغاز کرد. از اینراه قیمت قند و شکر، برنج و سیمان کاهش یافت. در گرنادا برای همه کودکان تا سن پنج سال، دانش آموزان دبیرستان - ها و مادران شیرده شیر رایگان است. در حالیکه در سال ۱۳۵۷ تنها سه دانشجو گرنادایی در خارج تحصیل میکردند، این شماره اکنون به ۲۰۰ رسیده است. در گرنادا، ۳۰ درصد

# «شیطان سبز» یانروی ویژه عملیات تروریستی «شیطان بزرگ» را بشناسیم

کمیونست اروپای خاوری تشکیل گردید. روش‌های تعلیم و دربرخی موارد حتی معلمان یکان نامبرده از یکان فاشیستی "هنگ براندنبروک" و "کماندوهای قتل اسکورزنی" گرفته می‌شدند. "نیروهای ویژه نخستین ماوریت‌های خود را در کره، گواتمالا و کنگو انجام دادند. رسانه‌های گروهی امپریالیستی ترور و حشمت‌انگیز "نیروهای ویژه" را در ویتنام با ستایش برآب و تاپ توصیف میکردند. هرچندکه دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم می‌کوشید تا بیاری کتاب‌ها فیلم‌ها و ترانه‌های بی‌شمار درباره "شیطان سبز"، دیو صفتی "بره‌سبزها" را تشویق دوچندان کند و همانا ویتنام بود که به بزرگترین صحنه شکست نیروهای ویژه بدل شد.

پس از ناکامی مفتضحانه در ویتنام، مدتها از "نیروهای ویژه" خبری نبود، تا آنکه این نیروها در پیوند با "سپاه واکنش سریع"، بعنوان یکی از هسته‌های اصلی سپاه تجاوزکار نامبرده بار دیگر احیا گردیدند. اکنون، افراد این یکان (هزار نفری بطور عمده، در "فورت براگ" و "فورت دونز" (ایالات متحده آمریکا)، "باد تولتسن" (جمهوری فدرال آلمان) و برلین غربی مستقر هستند.

"نیروی رزمی شماره ۸" "نیروهای ویژه" در "فورت گولیک" (منطقه کانال پاناما) استقرار یافته و تخصص "آین خرابکاری در کشورهای آمریکای لاتین" است. از سالهای ۵۰ تاکنون، هزاران "کارشناس تروریسم در این منطقه آموزش دیده‌اند. استفاده از "شیطان سبز" در السالوادور بیانگر مداخلات نظامی فزاینده "شیطان بزرگ" در این کشور آمریکای مرکزی است.

چنانکه در روزها و هفته‌های گذشته گزارش داده‌ایم، کارشناسان آمریکایی، موسوم به "نیروهای ویژه" ("اسپشال فورسز")، "عملیات تشبیهی "سربازان خوننا"ی نظامی السالوادور را علیه مردم بیگناه آن کشور رهبری می‌کنند.

"نیروهای ویژه"، یکان ویژه نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و

برای عملیات گوناگون خرابکارانه و ضد انقلابی بشمار می‌روند. این نیروها را، که بنام "بره‌سبزها" یا "گلاسه‌سبزها" نیز مشهورند، مبارزان صلح آمریکا "امریکن اس. اس." و "دولار اس. اس." نیز نامیده‌اند.

این یکان ویژه در تابستان ۱۳۳۹ از ماوران پلیس سری "او. اس. اس." ایالات متحده آمریکا و عناصر ضد-

# باتکیه بر نیروی توان بخش...

واقعیت اینست که در این نهادها هنوز دست‌های مرموزی هستند که درست برخلاف رهنمودهایی عمل می‌کنند که از طرف مقام رهبری و از طرف تمام مقامات مسئول جامعه ما داده می‌شود.

مسئله دیگر، کوشش برای بهبود زندگی مردم است. زندگی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران زحمتکش و کارمندان جزء و خلاصه همه کسانی که درآمد سودآوری ندارند بسرعت غیر قابل تصویری روز بروز بدتر می‌شود. ما این نکته را بارها تکرار و خود به عوامل عینی که سد راه حل است اشاره کرده‌ایم اما از طرف دیگر، می‌بینیم کسان دیگری، مانند بزرگ مالکان، کلان سرمایه‌داران، هستند که زندگیشان برعکس هر روز بهتر می‌شود. حتی فراری‌های غارتگری هستند که هرچند وقت یکبار بر می‌گردند، حقوق بازنشستگی‌شان را می‌گیرند، مال الاجاره‌شان را دریافت می‌کنند و ارز هم به قاچاق می‌برند.

مسئله دیگر فعالیت مجلس شورای اسلامی است. ماه‌هاست که از عمر مجلس و دولت می‌گذرد. ولی متأسفانه همان مسائل مبهم و اساسی که در آغاز فعالیت آنها در دستور کارشان بود، کماکان به قوت خود باقی است. اینجا هم باید کمتر وعده و وعید داد و گام‌های اساسی را برداشت: در زمینه تجارت خارجی، مالکیت، سیاست خارجی کشور و مسائل دفاعی و غیره...

برعکس مثلا "رد لایحه احکام تخلیه، به بهانه اینکه باید منتظر به اصطلاح اقدامات کلی شد، بسیار نگرانی آور است. این بود برخی از مسائل بنیادی روز که فقط متأسفانه تا بحال در - باره آنها وعده و وعید داده می‌شود و تعلل در حل آنها مشکلات رادشوار - تر و زمینه فعالیت ضد انقلاب را مساعدتر خواهد کرد.

درست است که اکثریت قاطع مردم کماکان حاضرند که فداکاری کنند و به پشتیبانی خود ادامه دهند. اما همانطور که تجربه کشورهای دیگر نشان داده است باید با تکیه بر نیروی توان بخش توده‌ها از هرگونه عقب‌نشینی در برابر بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و نمایندگان طبقاتی آنها خودداری کرد و در راه پیشبرد منافع توده مردم، قاطعانه گام برداشت.

(ادامه دارد)

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

تبعیض، محرومیت و استثمار، غیر اسلامی است

عوامل ضدانقلاب با نفوذ در ارگانها، چرخ انقلاب را کند می کنند  
از تمرکز ثروت در دست عدهای بخصوص باید جلوگیری شود

در جلسه علنی دیروز مجلس، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان، با اشاره به جنایات فتوادلها در نقاط مختلف کشور و ثروت اندوزی عدهای بخصوص، خواستار اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد بازپس گرفتن «ثروت های نامشروع» آنان و بازگرداندن آن به «صاحبان حق» شد. نخستین ناطق قبل از دستور گهالی نیا نماینده قوچان، طی سخنانی، با تاکید بر اینکه «تبعیض، محرومیت و استثمار کردن و استثمار شدن در جامعه»، «غیر اسلامی» است، گفت:

«وجود تبعیض بنحوی که عدهای از فرط ثروت و سیری نمی دانند چه کنند و عدهای از فرط فقر و گرسنگی نالانند، خود دلیلی بر وجود یک نظام اقتصادی است که اسلامی نیست.»

وی همچنین توطئه های دشمنان انقلاب برای تضعیف روحانیت مبارز را محکوم کرد و با اعلام حمایت از روحانیت مبارز، تاکید کرد:

«باید حساب بعضی روحانی نماها را از آنها جدا کرد.»

ناطق سپس با اشاره به اینکه باید هر چه زودتر «حکومت قانون» در جامعه برقرار شود گفت:

«امروز اگر بی نظمی هایی در جامعه وجود دارد، این نشانه عدم وجود حکومت قانون و عدم امنیت قضائی است. بر قوه قضائیه است که هر چه سریعتر در این جهت اقداماتی انجام دهد.»

نماینده قوچان در پایان با اشاره به فعالیت های خرابکارانه عوامل ساواک در جامعه، گفت:

«بخش عظیمی از توطئه ها و فتنه ها و شایعه پراکنی ها توسط عناصر ساواکی رها شده اعمال می گردد. آن ها از انقلاب و توده مردم در دل کینه سخت و عمیقی را می پروراند و از سوی دیگر چهره انقلابی بخود می گیرند و با رسوخ غیر مستقیم در بعضی از ارگانها، چرخ انقلاب را کند می کنند و از آنسو در دل مردم تخم میکارند و هزارها جنایت دیگر...»

وی در پایان خواستار مجازات عناصر ساواک بر حسب میزان جرایم آنان شد و از جمله بر لزوم کنترل آن دسته از افراد ساواک، که در زندان نیستند، در محلهای معینی تاکید کرد.

دومین ناطق قبل از دستور، علیرزاده، نماینده قائمشهر، طی سخنانی ضمن تاکید بر اینکه «ما باید مجری اصول قانون اساسی

باشیم»، از اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این که «نظام اقتصادی پربایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، که بر برنامه ریزی مشخصی متکی است»، سخن گفت و تاکید کرد:

«باید روی بخشهای تعاونی بیشتر کار شود و از تمرکز ثروت در دست عدهای مخصوص جلوگیری شود.»

وی همچنین از لزوم روشن شدن «حدود مالکیت» سخن گفت و با اشاره به لوایحی که تاکنون به مجلس آمده است، آنها را «از نظر کارایی لازم آن و تغییر بنیادی که مورد نظر قانون اساسی و جمهوری اسلامی ایران است»، ناقص دانست.

ناطق در سخنان خود همچنین، جنایت هولناک زندان «دوله تو» را محکوم کرد. نماینده مردم قائمشهر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اصول قانون اساسی در مورد «تأمین نیازمندیهای اساسی مردم، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه کسانی که قادر به کار هستند، ولی وسائل آن را ندارند»، خواهان اقداماتی در جهت اجرای این اصول شد. وی همچنین از لزوم اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی که مبنی بر «گرفتن ثروت های نامشروع و دادن آن به صاحبان حق» است، سخن گفت.

نماینده مردم قائمشهر در پایان سخنان خود یادداشت حجت الاسلام محمد منتظری را به اطلاع نمایندگان رسانید. در این یادداشت، با اشاره به مصاحبه رئیس جمهور با روزنامه «لوماتن»، که متن آن حکایت بر وجود «شکجه» در زندانهای ایران دارد و پخش آن توسط رادیو بی بی سی و رادیو صدای آمریکا در روزهای جمعه و شنبه هفته گذشته، سؤال شده بود: «چرا ایشان (آقای بنی صدر) در مورد فاجعه زندان دوله تو مصاحبه نمی کنند؟»

آخرین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، احمد حسینی، نماینده مردم مرودشت، طی سخنانی از دولت خواست که مردم را در جریان تمام مسائل قرار دهد.

سپس حجت الاسلام رفسنجانی، طی سخنانی به نامه نمایندگان مردم سیستان و بلوچستان در مورد محکوم کردن کشتار عدهای از افراد ژاندارمری توسط عوامل ضدانقلاب اشاره کرد و گفت:

«(این نمایندگان) از دولت و نیروهای نظامی و انتظامی می خواهند که هر چه سریعتر و قاطعتر به این جنایت هولناک رسیدگی کنند و مسببان آنرا به مجازاتهای جدی

برسانند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین به نامه ریاست جمهوری در مورد گرفتن نوارهای سخنان بهزاد نبوی در جلسه غیر-علنی مجلس اشاره کرد و از محدودیت های که قوانین «مجازات افشاء اسناد سری» در این زمینه در نظر گرفته است، سخن گفت.

آنگاه لایحه «جازه انجام هزینه های کشور در ۴ ماهه اول سال ۶۰» در جلسه طرح شد و ۲ تن از نمایندگان در مورد یک فوریتی بودن آن بعنوان موافق و مخالف سخن گفتند و سپس مجلس در این مورد رای گیری کرد و در نتیجه یک فوریتی بودن این لایحه به تصویب رسید. آنگاه ماده واحده یک فوریتی عدهای از نمایندگان در مورد اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی به مجلس تقدیم شد. بر طبق این طرح، دولت موظف است ظرف ۳ ماه لایحه لازم مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی را تقدیم مجلس کند.

جنایت فتوادلها

احمد ژرفانی، نماینده مردم دزفول، در موافقت با فوریت طرح، از جمله گفت: «امروز انقلاب ما بیشترین ضربه را از ناحیه امپریالیسم و وابستگی آن می خورد. جنایات فتوادلها و سردارها را هر روز در گوشه های از این مملکت می بینیم. پس چرا نباید اموال آنها را که به ناحق گرفته اند، بازپس بگیریم و به صاحبان اصلیشان بدهیم؟»

پس از رای گیری، یک فوریتی بودن این ماده واحده نیز به تصویب رسید. سپس طرح یک فوریتی دیگری مبنی بر موظف بودن وزارت مسکن در مورد واگستاری اراضی تحت اختیار دولت بسجای اراضی «سیاه دشتک»، طبق ضوابط شهرسازی، به مالکین اراضی کارخانه سیمان شهر ری، مورد بحث قرار گرفت. این اراضی در نتیجه توسعه کارخانه سیمان تهران، از صاحبان آنها گرفته شده بود. پس از بحث نمایندگان بعنوان موافق و مخالف، یک فوریتی بودن طرح به رای گذاشته شد و به تصویب رسید.

جلسه علنی دیروز مجلس پس از تنفیص در ساعت ۱۱:۳۰ صبح پایان یافت و نمایندگان برای تصمیم گیری در مورد درخواست رئیس جمهور مبنی بر گرفتن نوارهای سخنان بهزاد نبوی در جلسه غیر-علنی سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۶۰، مجلس در یک جلسه غیر علنی به بحث پرداختند.

دل زمین

پرچمی را که کفن پوشش شد بوسیدم  
بوسیدم  
بوی گلپای بهاری میداد  
اشک در چشمم رست  
اشک از چشمم ریخت  
لاله از خاک پر آمد بشکفت  
باورم شد که زمین دل دارد

احمد بهار

خرم آباد، بهار ۶۰

دادگاه امیر انتظام وارد شور شد

آخرین جلسه دادگاه عباس امیر انتظام، که به اتهام جاسوسی برای آمریکا محاکمه می شود، صبح دیروز به ریاست آیت الله محمدی گیلانی تشکیل شد. در این جلسه مهندس رضاهاموعی (بازرس نخست وزیری در دولت موقت) بنفع امیر انتظام و حجت الاسلام های غفاری (نماینده مجلس) علیه وی شهادت دادند. ریاست دادگاه پیش از شهادت «مسموعی» تذکر داد که دستور داده است وی (مسموعی) بدلیل «ارجاج» و گفتن کلمات متناقض در دادگاه، تعقیب شود. جلسه دادگاه در ساعت ۱۲:۰۵ خاتمه یافت و دادگاه برای تصمیم گیری وارد شور شد.

مشکل نان و نانوائی در سمنان

کمبود نان و نانوائی مشکلات زیادی برای مردم سمنان به بار آورده است. این مشکلات از یک سو، بنا به گفته نانوائیان، از ناکافی بودن سهمیه آرد نانوائی ها، و از طرف دیگر در اثر کمبود بودن مغازه های نانوائی و کارخانه نان ماشینی، ناشی شده است. علاوه بر این ها، نان در سمنان هنوز نرخ مشخصی ندارد، که طبعا این مسئله سودجویی هایی به دنبال خود دارد.

بر مقامات مسئول سمنان است که ضمن رسیدگی به این امر و همچنین احداث کارخانه های نان ماشینی و ایجاد نانوائی های تازه در منطقه، این مشکل مردم سمنان را برطرف کنند.

۳ تن از هواداران حزب توده ایران در خوی هنوز در زندان به سر می برند

۶۰ در یکی از خیابانهای این شهر، بازداشت شدند و تاکنون بی هیچ دلیلی در زندان هستند. ما بار دیگر ضمن اعتراض شدید به اینگونه اعمال مغایر قانون اساسی، که در شرایطی صورت می گیرد که تمامی مسئولان، بویژه امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تاکید بر اجرای قانون دارند، خواهان آزادی هر چه سریعتر این رفقا هستیم.

۳ تن از هواداران حزب توده ایران، که روز ۱۱ اردیبهشت ۶۰ در شهرستان خوی، بدون هیچگونه دلیلی بازداشت شدند، هنوز در زندان بسر می برند. رفقا علیرضا حیدرلو (که در هنگام بازداشت، تازه بعد از گذراندن ۳ ماه زندان به «جرم» فروش نامه مردم، آزاد شده بود)، کاظم صالحیان و حسین ادهمی در روز ۱۱ اردیبهشت

ضدانقلاب...

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران ضمن تجلیل از ژاندارمهای شهید و تسلیت صمیمانه به خانواده آنها، اعلام می کند: این جنایت هولناک همراه با اخبار متعددی که از سیستان و بلوچستان می رسد، نشان دهنده این است که ضدانقلاب یا تمام نیرو میکوشد که این استان را به آشوب بکشد و جنبه جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران باز کند. همانطور که در اعلامیه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران آمده است، «امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن» ابتدا کوشیدند با ترور یک روحانی اهل تسنن، «برادران اهل تسنن و شیعه را رو در روی هم قرار داده و استان مردپرور سیستان و بلوچستان را به آشوب بکشانند». وقتی هشیاری مردم و مسئولان

توطئه های ضدانقلاب را در گناوه با اتحاد و هشیاری درهم بکوبیم

در شهر و شایعه پراکنی ها و پخش فتاوای نوارهای روحانی نمایان مخالف بند «حج» و سایر عملکردها نشان دهنده گسترش فعالیت سازمان یافته ضدانقلاب است. ما هواداران حزب توده ایران در گناوه، ضمن محکوم کردن این اعمال ضدانقلابی، از مسئولان متعهد و انقلابی شهر، بخصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می خواهیم که با هشیاری توطئه های امپریالیسم آمریکا و آیدای آشکار و پنهانش را درهم کوبند و از واکنش های عصبی که می تواند دستاویزی برای اعمال پلید ضدانقلاب باشد، حذر نمایند. با هشیاری و اتحاد توطئه های امپریالیسم را خنثی کنیم! مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا! برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست در جبهه متحد خلق! هواداران حزب توده ایران - گناوه ۶۰/۲/۲۷

مردم قهرمان گناوه! امپریالیسم جنایتکار جهانی، بسرکردگی آمریکا، همچنان با کمک ضدانقلاب سازمان یافته، کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان، ساواکی ها و گروهک های مائوئیستی - آمریکائی و بایاری لیبرالها این جاده صاف کن های شیطان بزرگ، برای نابودی انقلاب ایران توطئه هفت خود را با وسعت بی سابقه ای دنبال می کند. آمریکا با ایجاد تشنج، تفرقه، ناامنی و درگیری، که یکی از حلقه های توطئه او برای روی کار آوردن یک دولت لیبرالی است، کم به نابودی انقلاب بسته است. مردم مبارز گناوه! اکنون زنجیر این توطئه به شهر مرزی ما رسیده است که موقعیت حساسی دارد. بهمین خاطر است که مدتی است فعالیت عمال غارتگران جهانی شدت یافته است. عمل جنایت آمیز ترور یکی از افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در شب ۲۱/۲۲/۶۰ رخ داد و نیز ضرب و شتم یکی دیگر از افراد سپاه در تاریخ ۱۰/۲/۶۰، در گنجینه های متعدد

این توطئه ها مجرد و اتفاقی نیست و براساس یک نقشه دقیق اجرا می شود. از تابستان گذشته، که رد پای بختیار خائن در این استان دیده شد تاکنون، ضدانقلاب سرگرم سازمان دهی بوده است. اکنون ضدانقلاب می کوشد با یاری ضدانقلابیون فراری، ساواکی ها، خان ها و سردارهای سیستان و بلوچستان و مائوئیستهای امریکائی «پیکار» که برای هماهنگی با ضدانقلاب از تابستان سال گذشته چند نفر از کادر مرکزی خود را به این استان فرستاده است، سیستان و بلوچستان را به یک کردستان دیگر تبدیل کند. باید در مقابل این توطئه هشیار بود از هم اکنون هنوز که دیر نشده است - آنها را تمام نیرو خنثی کرد.





### «تل آویو» و «واشینگتن» به سیاست شانناژ نظامی و دیپلماتیک خود علیه لبنان ادامه میدهند

در برخورد های مسلحانه ای که روز ۲۸ اردیبهشت ۶۰ میان یکانهای راستگرایان لبنان و نیروهای پاسدار صلح عرب در گرفت، در حدود ۳۰ تن کشته و ۱۴۰ نفر مجروح شدند. راستگرایان لبنان سلاح های خود را از اسرائیل دریافت میدارند. «تل آویو» با تسریع واگذاری سلاح به ارتجاعیون و جدایی طلبان لبنان، تشنجات این کشور را دامن میزند و از این راه تهاجم گسترده خود را به لبنان تدارک می بیند. این بار، بهانه اسرائیلی ها، استقرار موشک های ضد هواپی سوری در مناطق مرکزی لبنان است. یادآور می شویم که یکانهای سوری بخشی از «نیروهای پاسدار صلح عرب» را در لبنان تشکیل میدهند. سوریه یادآور شده است که استقرار این موشکها صرفا انگیزه دفاعی دارد. در این میان، فلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، بار دیگر به دمشق رفته است. وی ظاهرا قصد دارد تا بیاری شانناژ نظامی اسرائیل، سوریه را به سازش وادارد. پایبای این مانورهای «دیپلماتیک»، ایالات متحده آمریکا چند کشتی جنگی ناوگان ششم خود را در سواحل لبنان تکه داشته است. بعقیده ناظران سیاسی، این نیز بخشی از سیاست ارباب اعراب از سوی «واشینگتن» است.

### هدف «همبستگی» حل مسائل اقتصادی - اجتماعی لهستان نیست

افراطیون گروه ضد سوسیالیستی «کرس-کر»، که «مشاوران» اتحادیه «همبستگی» را تشکیل میدهند، آشکارا میکوشند، تا «همبستگی» را به سازمانی سیاسی تبدیل کنند، که هدف آن به هیچ روی حل مسائل سوسیالیستی نیست. ناظران معتقدند که «برنامه عمل همبستگی»، که چندی پیش منتشر شد، تغییر نظام سوسیالیستی را در لهستان هدف خود قرار میدهد. از سوی دیگر، «همبستگی» حاضر نیست که وظیفه مشارکت در حل مسائل اقتصادی - اجتماعی کشور را بپذیرد.

### پاکستان ابتکار صلح افغانستان را با تشدید خرابکاری پاسخ گفته است

روزنامه «کابل تایمز» افغانستان ابراز تاسف کرده است که پاکستان تاکنون واکنش مثبتی در برابر ابتکار صلح افغانستان نشان نداده است. پیش از یکسال پیش، دولت افغانستان خواستار مذاکره با پاکستان و ایران شد تا از این راه روابط خود را با این دو کشور عادی سازد و از افزایش تشنج در منطقه بکاهد. بنوشته «کابل تایمز»: «تأیید این پیشنهاد، عملیات خرابکارانه عوامل تروریستی، که در پاکستان آموزش می بینند، علیه افغانستان گسترش یافته است».

### نتایج انتخابات ویتنام هزم مردم را برای ساختن کشوری صلح جو، مستقل و سوسیالیستی تأیید کرد

در هانوی، نتایج انتخابات ۸ اردیبهشت ۶۰ ویتنام منتشر شده نزدیک به ۹۸ درصد مردم در این انتخابات شرکت کردند. ۴۹۶ نفری که به نمایندگی «مجلس ملی» برگزیده شده اند، کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانیون را دربر می گیرند. بموجب گزارش انتخاباتی: «انتخابات (ویتنام) تأیید کرد که مردم ویتنام عزم آرا دارند که ساختن ویتنامی صلح جو، مستقل و سوسیالیستی را ادامه دهند».

### مخالفت نظامیان سابق «ناتو» با استقرار موشک های آمریکایی اروپای غربی

در کتابی که اینک در جمهوری فدرال آلمان منتشر شده است، گروهی از نظامیان بلند پایه پیشین هشت کشور «ناتو»، مخالفت خود را بانقشه استقرار موشکهای جدید آمریکایی در اروپای باختری ابراز داشته اند. از جمله نویسندگان این کتاب عبارتند از: سان گیتا، ریچارد فرانسوی، ژرژ فان مین قلد هلندی، ژرژ لائیوایستی ایتالیایی و ژرژ کوشتا گومش، رئیس جمهور سابق پرتغال.

### ناخشنودی رهبران حزب محافظه کار بریتانیا از مارگارت تاچر

پیش از بحث اضطراری روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۶۰ پارلمان «بریتانیا»، اختلافات درونی حزب محافظه کار بالا گرفت. مارگارت تاچر، نخست وزیر بریتانیا، در روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۶۰، گیت اسپید، وزیر درياداری، را بعلت اختلافات پیرامون بودجه نظامی، از کابینه بیرون کرد. از سوی دیگر، هارولد میلر، نایب رئیس پارلمان بریتانیا، که با سیاست گسترش بخش خصوصی از طرف تاچر مخالف است، از مقام خود استعفا داد.

### لجاعت دولت «لندن» بار دیگر دو مبارز ایرلندی را در آستانه مرگ قرار داده است

بگفته نماینده مقامات بریتانیایی در «بلفاست»، وضع مزاجی ریچارد مکریش و پاتریک اوهارا سخت بوخامت گرایده است. این دو میهن پرست ایرلند شمالی، که برای دفاع از حقوق اقلیت کاتولیک «آلستر» و دستیابی به موقعیت زندانیان سیاسی، مبارزه میکنند، نزدیک به دو ماه است که اعتصاب غذای خود را ادامه میدهند و اکنون در آستانه مرگ قرار دارند. دولت «لندن» از تأمین خواست های آنها خودداری نمیورزد. تاکنون دو مبارز دیگر ایرلندی، بابی سنذر و فرانسیس هیوز، برائس لجاعت خانم تاچر در زندان «میز» به هلاکت رسیده اند.

### آفتاب سوزان «عمان»، حسرت آب و هوای «آتلانتیک شمالی» را در دل سلطان قابوس برانگیخته است!

سلطان قابوس، پادشاه عمان، اظهار نظر کرده است که بهترین راه مقابله با «خطر شوروی» و برای دفاع از کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس آنستکه، این کشورها به پیمان نظامی آتلانتیک شمالی «ناتو» بپیوندند! سلطان قابوس از همان فردای پیروزی انقلاب شکوهمند مردم میهن ما، که موجب سرنگونی رژیم دیکتاتوری و دست نشانده محمدرضای ملعون و استقرار جمهوری اسلامی ایران گردید، از سرنوازش محکوم به زوال خود به هراس افتاد و خود را در منطقه «بی پشت و پناه» یافت. با سرنگونی رژیم محمدرضای ملعون، که نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه را پهنه داشت، مواضع اربابان امپریالیستی سلطان قابوس و دیگر رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده آمریکا متزلزل گردید. این امر خطری که موجودیت این رژیم مزدور و سرسپرده را تهدید میکند، بر مراتب جدی تر از آن خطری است که در سالهای پنجاه، جنبش رهایی بخش «ظفار» برای رژیم سلطان قابوس پدید آورده بود.

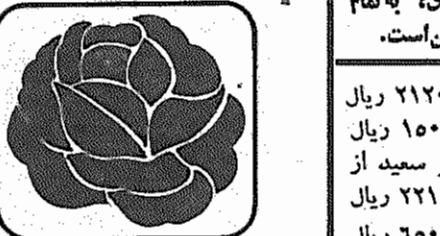
در آن سالها هنوز ژاندارم منطقه براریکه قدرت بود و بدستور اربابان آمریکایی لشکریان چندده هزار نفری مجهز به مدرن ترین سلاحهای آمریکایی را به دیار سلطان گسیل داشت، تا دوشادوش ارتش مزدور سلطان قابوس، به فرماندهی افسران انگلیسی، جنبش رهایی بخش «ظفار» را به خاک و خون بکشند. اما امروز اوضاع منطقه دگرگون گشته است. پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و استحکام مواضع کشورهای جبهه پایداری تناسپ نیروها در منطقه را به نفع نیروهای ضد امپریالیستی و استقلال طلب و به زیان امپریالیسم جهانی و رژیمهای ضد خلقی و وابسته در منطقه دگرگون ساخته است. تحت تأثیرات انقلابی این تحولات، همه خلقهای زیر سلطه و مستعبد منطقه، بیش از پیش به مقاومت و مبارزه برخاسته اند و دیگر نمی خواهند استبداد قرون وسطایی سلطان قابوس و اسارت استعماری و نواستعماری اربابان امپریالیستی آنها را تحمل کنند. سلطان قابوس و دیگر رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده به امپریالیسم، در پی این تحولات انقلابی در منطقه، سرزمین کشورها و تمام امکانات نظامی

خود را در اختیار امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا قرار دادند. طبق گزارش هفته نامه «الکفاح» العربی، چاپ بیروت، در آبان ماه سال ۱۳۵۹، پنج هزار تن از نیروهای «سپاه واکنش سریع» آمریکا به عمان اعزام و در پایگاههای نظامی عمان مستقر شدند. پایگاه نظامی مصریه، که بمدت ۹۹ سال اجاره داده شده است، در اختیار ارتش آمریکا قرار گرفت. تدارک تجاوز نظامی نافرجام آمریکا در عملیات طیس در همین پایگاه در خاک عمان انجام شد. ناوهای هواپیمابر آمریکایی «میدوی» و «آیزنهاور» در نزدیکی سواحل عمان مستقر شدند. در اسفند ماه سال ۵۹، واحدهای ارتش آمریکا در خاک عمان به مانورهای نظامی پرداختند. ژنرال آمریکایی «گلاسکو»، فرمانده تیپ هفتم تفنگداران دریایی آمریکا، که در این مانورها شرکت داشت، گفت که کلیه تجهیزات و مهمات لازم جهت انجام این مانورها و یا عملیات نظامی احتمالی، از پیش در پایگاه نظامی آمریکا در مصریه، در خاک عمان، ذخیره شده است. پس از انجام این مانورها، دولت آمریکا برای گسترش پایگاههای نظامی خود در خاک عمان و تجهیز آنها با وسائل مدرن نظامی، ۸۰ میلیون دلار به رژیم سلطان قابوس اعتبار داد. یکی از برنامه های که در این مانورها تمرین شد، عملیات «نیروهای واکنش سریع» برای پیاده شدن در هر یک از نقاط این منطقه، در «موارد اضطراری» بود. بدین ترتیب، سلطان قابوس عمان را، به امید حفظ رژیم ضد خلقی و منفور خود، داوطلبانه به پایگاه و میدان آموزش واحدهای نظامی ارتش آمریکا تبدیل کرده است. در یاسالار آمریکایی بنین، در آذر ماه سال ۵۹، چنین اظهار نظر کرد: «هیچ چیز مانع از آن نیست که در منطقه خلیج فارس یک سازمان سیاسی نظامی در همان سطح و با همان تفوذی که پیمان ناتو دارد، تشکیل شود».

امروز پس از گذشت هشت ماه، سلطان قابوس فهمیده است که در یاسالار آمریکایی چه توصیه «شفا بخش» برای رهایی از هوای سوزان عربستان و دمی آسودن در هوای خنک «آتلانتیک شمالی»، به دوستان عرب خود کرده است!

برقرار باد اتحاد همه  
نیروهای  
ضد امپریالیستی و  
دمکراتیک ایران در  
جبهه متحد خلق!

چاپ جدید  
تقویم  
سال نو



با اصلاحات  
منتشر شد

## خانم بیادلازین کنیم خانم حزب کمونیسم آباو

وقایع حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما نیازمندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۴۰۲۴، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قرنی شمالی بپردازید. توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

جمع آوری شده در جشن عروسی دو رفیق از بوشهر ۲۱۲۰۰ ریال  
جاسم و حسین از اهواز ۱۵۰۰۰ ریال  
جمع آوری شده در جشن عروسی رفیقا فاطمه و سعید از آغاچاری ۲۲۱۰۰ ریال  
اعضاء و هواداران حزب از میانکوه (آغاچاری) ۶۵۰۰ ریال  
ک - ص از رشت ۳۰۰۰ ریال  
کاویان حریری از رشت به خانه حزب عمومی  
شپید و پدرش ۲۵۰۰ ریال  
هواداران حزب در ساوه (برای خانه حزب) ۴۵۰۰۰ ریال

# با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم